

آموزش زبان فارسی بدون آموزش ادبیات بی‌ثمر است

دکتر حسن ذوالفقاری^۱

زبان فارسی به شدت کنایی است

و با عناصر ادبی آمیخته است

از این رو

متون ادبی

لایه‌های زیرین و

کاربرد زبان را

به زبان آموز معرفی می‌کند

در این سخن روی سخن با کتاب‌های آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان است. امروزه به مدد گسترش آموزش زبان فارسی در خارج از کشور و به غیرفارسی‌زبانان، تدوین و تألیف کتاب‌های آموزشی رونق یافته و اکنون بیش از صد کتاب آموزشی در ایران و خارج از ایران منتشر شده است. مطالعه در کتاب‌های آموزش زبان از دیرباز نشان می‌دهد همواره متون ادبی پایه اصلی آموزش زبان بوده است. در تمامی برنامه‌های درسی در سراسر جهان ادبیات وجود دارد و این نشان اهمیت این درس برای برنامه‌ریزان است. اما برخی از استادان و در برخی کتاب‌ها توجه به ادبیات بسیار ضعیف و ناچیز است. دلیل آن‌ها هم این است آموزش زبان باید منحصر به زبان کاربردی باشد و بهره‌گیری از ادبیات باید به علاقه زبان‌آموز و مراحل بعد واگذار شود.

چنین تفکری نقش آموزشی ادبیات در تقویت زبان و فرهنگ را نادیده می‌گیرد. اگر زبان همان تفکر باشد و آموزش آن در بستر فرهنگی ممکن، بی‌شک ادبیات مهم‌ترین راه رسیدن به این دو هدف است؛ زیرا ادیبان هم در تقویت تفکر منطقی نقش بسزا دارد و هم در انتقال میراث‌های فرهنگی. اکنون باید دید دلایل و فواید آموزش ادبیات در برنامه درسی آموزش زبان چیست؟

۱. **غنی‌سازی زبان:** با خواندن متن ادبی بر تفاوت‌های سطوح اجتماعی زبان و گوناگونی سبک‌ها تأمل می‌کنیم و توانش ارتباطی زبان‌آموزان در برخورد با متون اصلی افزایش می‌یابد. اولین مرحله خواندن، رمزگشایی از متن با لغات کافی در دسترس و ساختارهای دستوری لازم است. انتهای آن، آماده شدن برای فهمیدن انبوهی مدلول‌هاست. در متن ادبی می‌توان کارکردهای ویژه زبان را فهمید. با نقش‌های ارتباطی و معانی مختلف آشنا شوند و تسلط لازم را به دست می‌آورند. زبان‌آموزان همانند گویشوران بومی، با کلیشه‌ها و صورت‌های زبانی درگیر می‌شوند. زبان فارسی به شدت کنایی است و با عناصر ادبی آمیخته است؛ از این رو متون ادبی لایه‌های زیرین و کاربردی زبان را به زبان‌آموز معرفی می‌کند. از خلال متون ادبی اطلاعات زبانی فراوانی می‌توان به دست آورد: با متون ادبی دایره لغات گسترش و املا بهبود می‌یابد و زبان‌آموزان در کنار سبک‌های زبانی، با سبک‌های ادبی هم آشنا می‌شوند و با ملاحظه غنا و گونه‌گونی زبان ادبی و استفاده از امکانات بالقوه آن زبان، نگرش مثبت به زبان پیدا و خلاقیت و شهامت بیشتری در خود احساس می‌کنند. از طرفی چون مطالب ادبی، دست اول و

۱ عضو هیئت‌علمی دانشگاه تربیت مدرس و مدیر گروه آموزش زبان و ادبیات فارسی، فرهنگستان زبان و ادب فارسی

۷. **استدلال، توجیه، توضیح و نگارش:** آخرین مرحله از خواندن متن ادبی دست یافتن به تجربه زیبایی شناختی، توصیف آنچه احساس کرده ایم، بیان آنچه آموده ایم و تفسیر متن مورد مطالعه است. هنگام طرح سؤال از متن ادبی سؤالات باید چنان اصولی و با مهارت طرح شوند که ما را به پاسخ‌های جالب، جدی و ارائه، تفسیر و مباحثه رهنمون کنند. در این امر می‌توان با کارگروهی «قوه درک ادبی»، دقت در جمع‌آوری و تفسیر اوراق، مهارت در تجزیه و تحلیل و ترکیب کردن، کنجکاوای عقلانی را با نگارش گسترش داد.

البته یکی از ابهامات در زمینه استفاده از ادبیات در آموزش زبان خارجی همیشه این است که از چه زمانی و در حقیقت چه سطح زبان‌آموزی می‌توان از ادبیات استفاده نمود. قبل از پاسخ به این سؤال باید اشاره مختصری به چگونگی سطح بندی زبان آموزان نماییم. از نظام‌های کلان موجود در جهان که برای آموزش و سنجش زبان آموزان طراحی گردیده‌اند و می‌توان از آن‌ها در تدوین برنامه‌های آموزش زبان، تهیه کتب درسی، تربیت معلمان زبان خارجی و طراحی آزمون‌های استاندارد استفاده نمود، چارچوب مرجع مشترک اروپایی در ایران از مقبولیت بیشتری برخوردار است و از آن استفاده می‌شود. بر اساس چارچوب مرجع مشترک اروپایی سطوح زبان‌آموزی از شش سطح تشکیل شده است: سطوح پایه، فرایانه، میانی، فرامیانی، پیشرفته و فراییشرفته. در چارچوب مرجع مشترک اروپایی برای آموزش هر کدام از مهارت‌های زبانی برنامه‌ریزی مدونی موجود است و بر طبق آن برای آموزش هر مهارتی از سطح خاصی از سطوح شش گانه، نقشه خاصی مورد استفاده قرار می‌گیرد و کاملاً مشخص است که چه میزان واژگان و ساخت دستوری و ... باید به زبان‌آموزان ارائه شود و از آن‌ها چه انتظاراتی می‌رود.

در چارچوب مشترک اروپایی نگاه ویژه‌ای به ادبیات، به عنوان منابع ارزشمند و مشترکی که باید پاس داشته شوند و توسعه یابند، شده و برای رسیدن به اهداف زیبایی شناختی، تربیتی، عاطفی، زبانی و فرهنگی، به برنامه‌ریزان آموزشی و معلمان اکیداً توصیه شده است که «در تمامی سطوح زبانی» از آن استفاده نمایند. با توجه به مطلبی که به آن اشاره کردیم و مرور چارچوب مرجع، یقین پیدا می‌کنیم که ادبیات، به‌طور بالقوه، قابلیت استفاده در مواد درسی تمامی سطوح زبان‌آموزی را دارد. اکنون با این فواید بی‌شمار که یکی از هزار و اندکی از بسیار است و تأکید برنامه چارچوب مرجع، آیا نمی‌توان ادبیات را جادوی آموزش دانست؟

اصلی است؛ به بهترین وجه، استفاده گویشوران یک زبان را بازنمایی می‌کند و اصالت و درستی زبان را نشان می‌دهد.

۲. **شناخت عمیق از فرهنگ ایرانی و فارسی:** اگر زبان را همان تفکر و تفکر را مایه اصلی شناخت فرهنگ زبان میزبان بدانیم، بی‌شک آموزش ادبیات نزدیک‌ترین و مهم‌ترین و مؤثرین راه وصول به این هدف است. زبان‌آموزان هنگام مطالعه متون ادبی با زندگی نویسندگان، آثار مهم ادبی، شباهت‌های فرهنگی و ادبی و بن‌مایه‌های مشترک دو فرهنگ آشنا می‌شوند.

۳. **آموختن اطلاعات ادبی و اجتماعی - فرهنگی:** ادبیات رابطه‌ای مستقیم با محیط و زمان دارد، کارکرد متن قرار دادن متن در زندگی و اثر نویسنده است. از درون متون می‌توان به اطلاعات فرهنگی، اجتماعی و سبک زندگی و جهان‌بینی ایرانی دست یافت. درون‌مایه‌ها و مسائلی که در ادبیات به آن‌ها پرداخته می‌شود، جهان‌شمول است.

۴. **افزایش شوق فراگیران:** مفرح و سرگرم‌کننده بودن متون ادبی یکی از خصوصیات برجسته آنان است و موجب دل‌زده نشدن آنان در کلاس می‌شود. آموزش مطالب ادبی و به‌خصوص ادبیات غنی فارسی عموماً پراج و گران‌بها هستند و ارزش مطرح شدن در کلاس را به‌قصد آموزش زبان دارند. با این نگاه، تصور مثبتی از فرهنگ ایرانی در مخاطب ایجاد می‌شود که در نهایت شوق‌برانگیز است. این شوق‌انگیزی و نشاط‌بخشی و جذابیت ادبیات، نیروی تلقینی و انگیزشی زیاد در آموزش ایجاد می‌کند؛ چیزی که اگر در جریان آموزش مفقود باشد، مربی و معلم ناکام می‌مانند.

۵. **بسط توانایی‌های خوانشی فراگیران در زمینه ادبیات:** «خواننده درست» کسی است که نه تنها اطلاعات خوب بلکه ادراکی زیباشناختی از زبان دارد. اگر شعری را خوب درک نمی‌کنیم، خطای شعر نیست، فراگیران باید قوانین، محدودیت‌ها و روش‌های کارکردی یک متن ادبی، ارتباطش با زبان و جامعه را تشخیص دهند. هدف تنها فهماندن اثر ادبی خاص نیست، بلکه هدف فهماندن حقیقت اثر ادبی است.

۶. **کمک به رویارویی نظرات و سلیقه‌ها:** ادبیات چهارراهی بینا فرهنگی است تا خواننده را با ارزش‌ها و عقاید تازه روبه‌رو کند. شیوه‌های جدید نگرش به دنیا، فهمیدن زبان و حتی خود انسان را یاد دهد. به فراگیران کمک می‌کند درباره دیدگاه‌ها و علایق و احساسات خود سخن بگویند و توانایی‌های تفسیری و نقادی آنان را بهبود می‌بخشد.

جملات مشابه اما با نشانه‌گذاری متفاوت از دو زبان انگلیسی و عربی ذکر می‌شود.

Eats shoots and leaves	I detest liars like you; I believe that honesty is the best policy.
(جوانه‌ها را می‌خورد و بیرون می‌رود)	(من از آدم‌های دروغ‌گویی مثل شما متنفرم، به اعتقاد من صداقت بهترین سیاست است)
Eats, shoots, and leaves	I detest liars, like you; I believe that honesty is the best policy.
(خوراکی، جوانه‌ها، و برگ‌ها)	(من هم مثل شما از آدم‌های دروغ‌گو متنفرم؛ به اعتقاد من صداقت بهترین سیاست است)

همان‌طور که از مثال‌ها برمی‌آید، در زبان انگلیسی یکسان بودن نشانه جمع و شناسه سوم شخص مفرد (S)، و نبود نشانه‌ای برای مفعول «را» (آن‌گونه که در زبان فارسی هست) و هم‌نویسه بودن برخی واژه‌ها با وجود تفاوت معنایی و مقوله‌ای‌شان نیاز به استفاده از نشانه‌ها را بسیار ضروری و حیاتی می‌گرداند. در همین خصوص، مثال ساده‌ای دیگر از زبان عربی ذکر می‌شود:

ما أحسن الرجل.	ما أحسن الرجل!	ما أحسن الرجل؟
آن مرد نیکویی نکرد.	آن مرد چه نیکوست!	نیکوی آن مرد چیست؟

در مثال فوق نیز مشاهده می‌شود در زبان عربی نشان دادن هریک از معانی مختلف حرف «ما» - شامل نفی، استفهام و تعجب- در نوشتار، جز با نشانه‌های سجاوندی امکان‌پذیر نیست. مشخص است که کارکرد نشانه‌ها در زبان‌ها یکسان است ولی این بافت زبان‌هاست که متفاوت است. این یکسانی مفهومی نه تنها به آموزش این نشانه‌ها کمک می‌کند بلکه همچون ابزار مشترکی بین همه زبان‌ها برقراری ارتباط بین‌زبانی را تسهیل می‌گرداند. البته این امر منوط به فهم درست و منطقی آن‌هاست، نه صرفاً در ذهن‌سپاری تعدادی قواعد بدون توجیه و دلیل کافی. این نکته در ادامه توضیح داده می‌شود.

۲. نشانه ویرگول و تعاریف آن

در فهرست مصوبات فرهنگستان، دفتر ششم، واژه «ویرگول» برابر نهاد مصوب واژه comma ذکر شده و در مقابل آن، این توضیح آمده است: «علامت (,) که نشانه فاصله و مکث بین دو کلمه یا دو بخش از جمله است». در برخی کتاب‌های مرجع مثل فرهنگ لغت وبستر نیز نشانه کاما این‌گونه تعریف شده است: «از نشانه‌های سجاوندی که به‌ویژه برای جداسازی درون جمله به کار می‌رود». البته این تعریف، هرچند کافی نیست، دقیق‌تر است، زیرا نخست اینکه آن را از نقطه‌ویرگول، که در بیرون از جمله به کار می‌رود، مجزا می‌کند و دوم، اشاره‌ای به تعداد اجزا در جمله یا مکث نکرده است. همچنین، مکث‌هایی وجود دارد که با ویرگول مشخص نمی‌شود.



ویرگول و برخی مسائل اساسی در کاربرد آن

دکتر سیده‌زیبا بهروز^۱

به‌رغم توجه روزافزونی که به مقوله نگارش و قواعد آن در زمان کنونی می‌شود، و از هر مستمسی اعم از تألیف کتاب‌های آموزشی درسی و غیردرسی، برگزاری کارگاه‌ها و دوره‌های نگارش و ویرایش در سازمان‌های دولتی و خصوصی، و تلاش‌های رسانه‌ای و فضاهای مجازی و ... همچنان مفهوم اصلی این نشانه و نشانه نقطه‌ویرگول «،» در اذهان جا نیفتاده است و کاربردهای ساده‌انگارانه و بعضاً اشتباه حتی در بین قشر تحصیل‌کرده و اهل قلم، و به‌ویژه در کتاب‌های درسی دیده می‌شود. کتاب‌های درسی ستون و پایه شکل‌گیری نگرش و ژرف‌ساخت فکری دانش‌آموز است و چنانچه متون درسی به‌درستی ارائه نشود، و دانش‌آموز در خواندن و فهم آن‌ها مشکل داشته باشد، در فرایند تکامل علمی و ذهنی او اختلال جبران‌ناپذیری ایجاد می‌شود. در اینجا به برخی از مسائل کاربرد نشانه ویرگول که در متون مختلف وجود دارد و برخی از آن‌ها در کتاب‌های درسی نیز مشاهده شده است اشاره و درباره آن‌ها بحث می‌شود.

۱. نشانه‌گذاری؛ دستور زبان همگانی

نشانه‌های سجاوندی تعاریف و کارکردهای یکسانی در همه زبان‌ها دارند، اما متناسب با ویژگی‌های خاص لغوی، ساختاری و نحوی هر زبان، این کارکردها نمود می‌یابند. نکته اساسی و بدیهی این است که نشانه‌گذاری در موارد زیادی تفاوت آشکار و معناداری را در نوشتار و مقصود و مفهوم آن موجب می‌شود. هر زبانی بر اساس طبیعت و قواعد منحصر به فرد خود به گونه‌های متفاوت تحت تأثیر نشانه‌گذاری قرار می‌گیرد و تمام این‌ها نشانه اهمیت این مقوله از آیین نگارش است. برای روشن شدن مطلب، مثال‌هایی از

۱. پژوهشگر فرهنگستان زبان و ادب فارسی، گروه آموزش زبان و ادبیات فارسی

روحي نیز برای او در پی می‌آورد. به سه مورد از این خطاها که به صورت تصادفی در کتاب‌های متوسطه دوم مشاهده شده اشاره می‌گردد.

۱) نکند جور، پیشه سلطانی / که نیاید ز گرگ چوپانی (فارسی ۳، ص ۱۰۸)

که مطابق با صورت نوشتاری، معنای بیت چنین می‌شود: سلطانی جور را پیشه خود نمی‌کند که از گرگ چوپانی برنیاید (معنای دو مصرع باهم تناسبی ندارند)؛ درحالی‌که، صورت درست بدون ویرگول و با ترکیب دو جزء جور و پیشه در قالب یک واژه است:

نکند جورپیشه سلطانی / که نیاید ز گرگ چوپانی

آدم جورپیشه سلطانی نمی‌تواند بکند؛ چنانکه از گرگ نیز چوپانی برنیاید. مثال دیگر:

۲) از سخن پُر دُر مکن همچون صدف هر گوش را / قفل گوهرساز، یاقوت زمردپوش را (فلسفه ۲، ص ۸۳)

با توجه به اینکه یاقوت زمردپوش جزء اصلی جمله است و نیاز به جداسازی ندارد و کلمه گوهر نیز مضاف به قفل است نه جزء ترکیبی برای ساز (که بدون فاصله با آن و به صورت یک واحد لغوی آمده است)، این شیوه نگارش و کاربرد ویرگول مصرع دوم را نامتناسب و مغشوش کرده است؛ حال آنکه، درست آن چنین است:

از سخن پُر دُر مکن همچون صدف هر گوش را / قفل گوهر ساز یاقوت زمردپوش را

برای گوهر (استعاره از دهان یا دندان‌ها) از یاقوت زمردپوش (استعاره از لب) قفل بساز؛ درمجموع یعنی خاموش باش.

۳) خود را به نیکی و نیکوکاری به مردم نمای و چون نمودی به خلافِ نموده، مباش (فارسی ۱، ص ۱۸)

ملاحظه می‌شود که ویرگول پس از «نموده» آمده و در خوانش و فهم مطلب اختلال ایجاد شده است. معنای جمله فوق این است: هرگاه به خلاف آن‌گونه که خود را نمودی بنمایی، پس دیگر مباش.

درحالی‌که ویرگول باید پس از «نمودی» قرار بگیرد که جزء شرطی است و «به خلافِ نموده» مسند و از اجزاء اصلی جمله است و نباید از فعل «مباش» جدا شود تا معنی درست دریافت شود: اگر خود را به نیکی به مردم نمایاندی، برخلاف آن‌طور که نمودی نباش.

۴. ویرگول و سازه‌های دستوری در جمله

یکی از اساسی‌ترین نکات درباره نشانه‌ها به‌ویژه ویرگول این است که در سطحی فراتر از واژه‌ای که مستقل از جمله است به کار می‌روند؛ یعنی در متنی که حاوی پیام است و واژگان دارای نقش دستوری و در ارتباط نحوی با یکدیگرند. به عبارت دیگر، شناخت و کاربرد درست نشانه‌ها نیازمند شناخت ساختار جمله و اجزای آن است تا به راحتی امکان جداسازی بدون خطا در جمله میسر شود. دستور زبان دانشی منطقی و پایه‌ای است و نشانه‌ها برای

برخی از استادان و نویسندگان کتاب‌های مهم نیز تعریف مشابهی ارائه کرده‌اند؛ در کتاب راهنمای ویرایش از غلامحسین زاده، ویرگول نشانه مکث کوتاه و تابع لحن کلام تعریف شده (غلامحسین زاده، ۱۳۸۰، ص ۳۴) و در کتاب نگارش و ویرایش سمیعی نیز بدون هیچ تعریفی موارد کاربرد ویرگول برشمرده شده است. (سمیعی، ۱۳۸۷، ص ۲۳۴) در کتاب‌های متأخرتر نیز مثل آموزش ویراستاری و درست‌نویسی تألیف ذوالفقاری، ویرگول نشانه مکث کوتاه و نشان‌دهنده پیوند اجزای دو طرف (ذوالفقاری، ۱۳۹۶، ص ۲۷) و، در کتاب آیین نگارش و ویرایش و اشقانی، ویرگول نشان‌دهنده کوتاه‌ترین درنگ در زنجیره اندیشه و جمله معرفی شده است. (واشقانی، ۱۳۹۰، ص ۱۴۵) از این رو، با توجه به اهمیت تعریف در شناخت پدیده‌ها، سؤال اصلی که پیش می‌آید این است که اساساً مبنای مکث یا درنگ کوتاه یا فاصله در جمله چیست و در کجاها و در چه کسری از زمان باید باشد؟ همین تعاریف تصویری را در ذهن کاربران ایجاد کرده است. در همین باره، برای مثال، مرکز نگارش دانشگاه کارولینای شمالی در چپل هیل در نخستین صفحه وبگاه خود به سه مورد از اشتباهات رایج درباره نشانه‌گذاری اشاره کرده است: ۱) ضرورت کاربرد نشانه برای جملات طولانی؛ ۲) ضرورت کاربرد ویرگول در هر جا که مکتی رخ می‌دهد؛ ۳) مکانیکی بودن نشانه‌گذاری؛ بدین معنا که بر اساس پیش‌فرض‌هایی و به صورت قواعد کلی و تغییرناپذیر امکان استفاده از نشانه‌ها وجود داشته باشد. (The Writing Center...، وبگاه)

در خصوص مکث، برای نمونه، یکی از مواردی که در زبان فارسی برای کاربرد ویرگول ذکر شده بین دو کلمه‌ای است که احتمال زیاد وجود دارد با کسره اضافه به صورت ترکیب خوانده شوند، اما بدیهی است که این کارکرد مصداق‌های پرشماری را دربرمی‌گیرد و بهتر است که در چنین مواردی شیوه‌های دیگری به جای استفاده از ویرگول یا نشانه ساکن به کار رود و تغییری در ساختار جمله داده شود؛ حال آنکه، ویرگول از نشانه‌های پرکاربرد است و اهمیتی به مراتب فراتر در زبان فارسی دارد. در اینجا چند بُعد کاربردی نشانه ویرگول شرح داده می‌شود.

۳. ویرگول و مفهوم منطقی جمله

بدیهی است که نشانه‌گذاری با هدف روان‌خوانی و تسریع در فهم مطالب اعمال می‌شود. حال چنانچه این نشانه‌ها درست و مطابق با مفهوم اصلی متن و منظور نویسنده به کار نرود، قطعاً موجب کژفهمی و خوانش نادرست و سردرگمی و ابهام می‌شود. این اشتباه در کتاب‌های درسی تأثیر عمیق‌تری برجای می‌گذارد، زیرا دانش‌آموز معمولاً از چنان پیشینه علمی و سواد خواندن بالایی بهره ندارد که خطای رخ داده را تشخیص دهد یا به دنبال چرایی و حل مسئله باشد و اگر معلم در این موارد، دانش‌آموز را راهنمایی نکند و بدان توجهی نشان ندهد، ممکن است این ابهام، در ذهن دانش‌آموز، ناتوانی او در یادگیری تلقی شود و در این صورت، نه تنها درس فهمیده نمی‌شود، تبعات

- ۴) چهارپاره، بیشتر برای طرح مضامین اجتماعی و سیاسی به کار می‌رود (فارسی ۲، ص ۳۲)
- ۵) ارتش آن‌ها، ابزار و قدرت شایسته برای پاسداری از مرزها را دارد (فارسی ۲، ص ۴۲)
- ۶) هر بیت، با کدام قسمت از متن درس تناسب مفهومی دارد؟ (فارسی ۲، ص ۶۲)
- ۷) مردم آن سرزمین، علاقه فراوانی به او یافتند (فارسی ۲، ص ۶۷)
- ۸) کتاب استاد، دربردارنده مطالب مفیدی است (فارسی ۲، ص ۴۳)
- ۹) گوینده عبارت زیر، از کدام فضیلت اخلاقی برخوردار است؟ (فارسی ۲، ص ۲۳)
- ۱۰) آواز جلاجل به گوش مرد می‌رسید، و گمان می‌کرد که بز، برقرار است. (فارسی ۱، ص ۱۲۸)
- ۱۱) به پاس هر وجب خاکی از این ملک / چه بسیار است، آن سرها که رفته! (فارسی ۲، ص ۳۰)
- ۱۲) تا خار غم عشقت آویخته در دامن / کوتاه‌نظری باشد، رفتن به گلستان‌ها (فارسی ۱، ص ۵۵)
- ۱۳) ناز تو و نیاز تو شد، همه دلپذیر من / تا ز تو دلپذیر شد، هستی ناگزیر من (فارسی ۲، ص ۶۲)
- ۱۴) برنامه امروز، تأیید شد. (فارسی ۲، ص ۳۱)
- ۱۵) عامل شهری به خلیفه نبشت که دیوار شهر، خراب شده است، آن را عمارت باید کرد. (فارسی ۱، ص ۳۶)

۴-۲. خطا در جداسازی مفعول از فعل

- ۱) آفرینش همه تنبیه خداوند دل است / دل، ندارد که ندارد به خداوند اقرار (فارسی، پایه ۹، ص ۱۳)
- «دل» مفعول فعل «ندارد» است و نباید جدا شوند.
- ۲) هر لحظه، از خزانه غیب، گوهری، در نهاد او تعبیه می‌کردند. (فارسی ۲، ص ۶۱)
- گوهری مفعول است و نباید با ویرگول جدا شود. البته چنانچه ویرگول در دو طرف متمم «در نهاد او» به کار می‌رفت، به لحاظ فنی اشکالی نداشت ولی کوتاهی و سادگی متمم و وضوح مطلب ضرورت کاربرد ویرگول را از بین می‌برد.

۴-۳. خطا در جداسازی فاعل از فعل

- ۱) کوه و دریا و درختان، همه در تسبیح‌اند / نه همه مستمع، فهم کند این اسرار (فارسی، پایه ۹، ص ۱۳)
- «مستمع» فاعل است و از فعل «فهم کند» نباید جدا شود.
- ۲) ... پیاده مرا زان فرستاد، طوس / که تا اسب بستانم از اشکبوس (فارسی ۱، ص ۹۵-۹۷)

نشان دادن این منطبق به کار می‌روند؛ برای نمونه، مهم است که هرگز، جز در موارد نادر و استثنائات، بین نهاد و گزاره ویرگول به کار نرود. البته نهاد و گزاره نامی کلی است برای بخش‌های جمله، و دقیق‌تر این است که گفته شود کاربرد درست نشانه‌ها نیازمند دانستن اجزای اصلی نحوی در جمله است.

اجزای اصلی یعنی سازه‌هایی که جمله با آن‌ها صورت جمله می‌یابد و حامل پیام می‌شود. همان‌طور که می‌دانید، در تمام زبان‌ها دو نوع جمله زیرساختی وجود دارد؛ جملات اسنادی و جملات فعلی. این دو نوع جمله نیز هر کدام شامل تنها سه جزء اصلی هستند. در جملات اسنادی، این اجزا شامل مسندالیه و مسند و فعل اسنادی است و در جملات فعلی، شامل فاعل و مفعول (اگر فعل متعدی باشد) و فعل. با مشخص کردن این سه جزء در هر جمله، می‌توان اجزای غیراصلی یا به عبارتی افزوده‌های جمله اصلی را از آن‌ها جدا کرد. این اجزای غیراصلی نیز شامل باقی نقش‌های دستوری مانند متمم، جمله معترضه، بدل، قید، و اجزای هم‌پایه است که در کتاب‌ها و منابع گوناگون تحت عنوان موارد استفاده از ویرگول به‌طور جداگانه مطرح شده‌اند؛ در صورتی که، همه این موارد مشمول یک قاعده می‌شوند و آن قاعده جداسازی اجزای اصلی از فرعی جمله است. در حقیقت، معیار این جداسازی وابستگی منطقی و معنایی این اجزا در جمله است و اساساً هر نوع وابستگی بلافصل اعم از وصفی، اضافی یا متممی مشمول این جداسازی نمی‌شود.

نکته مهم دیگر که در مورد اجزای غیراصلی مثل متمم، بدل، قید و ... باید رعایت شود این است که چنانچه در درون جمله یا عبارتی بیابند، لازم است با دو ویرگول در قبل و بعد مشخص شوند؛ برای نمونه، این جمله از کتاب فارسی پایه یازدهم نقل می‌شود: «مولانا آنچنان در معارف شمس، غرق شد ...»؛ در اینجا نشانه ویرگول تنها پس از متمم به کار رفته و اشتباه است. باید در نظر داشت که به کار نبردن ویرگول همواره بهتر از به کار بردن نابجای آن است.

به‌طور کلی، استفاده از قاعده سازه‌های اصلی و فرعی در نشانه‌گذاری افزون بر اینکه فهم و یادگیری کاربرد ویرگول را تسهیل می‌کند، مشکلات دانش‌آموز را، در زمینه ساختمان جمله و ارتباطات نحوی آن، تا حد زیادی حل می‌کند. در ادامه چند مثال از کاربردهای اشتباه در کتاب‌های درسی آورده می‌شود که ناشی از ناآگاهی از این اصل است.

۴-۱. خطا در جداسازی نهاد از گزاره

- این خطا در هر دو نوع جملات اسنادی و فعلی دیده می‌شود:
- ۱) گفت: در این معرکه، یکتا منم / تاج سر گلبن و صحرا، منم (فارسی ۱، ص ۱۳)
- در مصرع دوم، مسندالیه از مسند جدا شده است که خطاست.
- ۲) گفتم خسرو، آوازی بسیار خوش داشت (فارسی ۱، ص ۱۲۴)
- ۳) این خلوت عارفانه، حدود چهل روز طول کشید (فارسی ۲، ص ۶۸)

۵) منتظر آنچه به سویت می‌آید، باش و جز آنچه به سویت می‌آید، آرزو مکن
(فارسی ۱، ص ۱۴۱)

عبارت «آنچه به سویت می‌آید» اضافه به مسند در جمله اول و مفعول است برای «آرزو مکن» در جمله دوم و نباید جدا شود.

۶) هرگز هیچ زیبایی لطیفی را در این جهان ندیده‌ام که بی‌درنگ نخواسته باشم، تمامی مهرم را نثارش کنم (فارسی ۱، ص ۱۴۱)

عبارت «تمامی مهرم را نثارش کنم» مفعول برای فعل «نخواسته باشم» است و نباید جدا شود.

۶. ویرگول و حروف ربط

از آنجاکه از مهم‌ترین کارکردهای ویرگول جداسازی اجزای هم‌پایه‌ای است که به جمله یا سازه‌های درون آن می‌پیوندد، می‌شود از آن به‌جای حروف ربط که کارکرد مشابهی دارند استفاده کرد. رایج‌ترین کاربرد آن به‌جای «و» (واو عطف) است که اتفاقاً از رویکردهای نگارشی فارسی در دوران معاصر است. اما سؤال این است که، چنانچه کارکرد آن‌ها مشابه است، چرا گاهی دیده شده که همراه با واو ربط (پیش یا پس‌از آن) ویرگول نیز به کار رفته است. در اینجا به نظر می‌رسد مناسب‌ترین پاسخ را باز باید در بُعد مفهومی، منطق و نحو کلام جست. به عبارت بهتر، در غالب موارد، هریک از امکان‌های متعددی که در استنباط و دریافت متن وجود دارد نحوه خاصی از کاربرد ویرگول را ایجاد می‌کند و بسته به مقصود گوینده باید انتخاب شود.

معمولاً بین اجزای هم‌پایه یا واو عطف یا ویرگول قرار می‌گیرد به‌جز مورد آخر. اما در زبان انگلیسی در مورد آخر هم ویرگول به کار می‌رود که به ویرگول آکسفوردی (Oxford comma) معروف است، زیرا در انتشارات دانشگاه آکسفورد رایج بوده است (Garner, 2016: 748)؛ مثل این جملات:

- امروز همراه با همکلاسی‌هایم، احمد، و رضا برای ناهار بیرون رفتیم.
دلیل این کاربرد این است که گفته می‌شود در صورت نبود ویرگول آخر این ابهام پدید می‌آید که احمد و رضا همان همکلاسی‌ها هستند و گذاشتن ویرگول این ابهام را رفع می‌کند.

اما مسلم است که همیشه هم بدین راحتی نخواهد بود؛ مانند مثال زیر که حتی ویرگول پایانی هم رفع ابهام نمی‌کند:

- تقدیم به مادرم، بهترین دوستم، و پدرم
مشخص نیست که آیا منظور از بهترین دوست همان مادر است یا فرد دیگری. از این رو، لازم است که در چنین مواقعی از راهکارهای دیگری مثل توضیح یا در پراکنش قرار دادن استفاده کرد:

- تقدیم به مادرم که بهترین دوست من است، و پدرم
یا بدین صورت:

- تقدیم به مادرم (بهترین دوست من)، و پدرم

در این مورد، فاعل یعنی «طوس» از فعل «فرستاد» جدا شده است.

۵. ویرگول و انباشت فعلی

یکی از موارد کاربردهای رایج ویرگول زمانی است که توالی افعال یا توالی جملات وجود دارد؛ البته این کاربرد به‌طور کل مردود نیست اما استفاده بدون تأمل از ویرگول در هنگام مواجهه با چند فعل یا جمله در کنار هم جایز نیست؛ چراکه هیچ قاعده‌ای در استفاده بی‌قید و شرط از نشانه‌ها در زبان نمی‌تواند متقن و بدون خطا باشد. زبان از مقولات انسانی و ذهنی است و لذا همچون قوانین طبیعی و فیزیکی در معیاری کلی و عمومی نمی‌گنجد. جدول زیر حاوی نمونه‌هایی روشن و گویا از جملات مرکبی است که بود یا نبود ویرگول، بین دو فعل، در آن‌ها تفاوت معنایی ایجاد کرده است.

- اجازة نداد بروید.	- منتظر باشید تا رسید تحویل بگیرید.	- سارقی کیفش را دید زد و رفت.
- اجازة نداد، بروید.	- منتظر باشید، تا رسید، تحویل بگیرید.	- سارقی کیفش را دید، زد و رفت.
- او می‌داند چرا حرف نمی‌زند؟	- گزینه‌های بیشتری نیاز نیست انتخاب کنید.	- وام مذکور را می‌خواهد چه کند؟
- او می‌داند، چرا حرف نمی‌زند؟	- گزینه‌های بیشتری نیاز نیست، انتخاب کنید.	- وام مذکور را می‌خواهد، چه کند؟

بنابراین در کاربرد ویرگول بین دو فعل توجه به وابستگی معنایی و ساختاری آن‌ها مهم و ممیز است و بی‌توجهی بدان گاه مقصود و منظور جمله را به‌طور کلی دگرگون می‌کند. خوشبختانه این موارد در نوشتار رسمی کمتر اتفاق می‌افتد و ذکر آن‌ها در اینجا بیشتر از جهت تبیین مسئله بود. با وجود این در موارد زیادی به گذاشتن ویرگول بین دو فعل نیاز نیست و شاید درست‌تر آن باشد که بدون ویرگول نوشته شوند. در اینجا هم به چند مثال از کتاب‌های درسی اکتفا می‌شود.

۲) سنگ بزرگی را که بر گور فاتح چین نهاده بودند، برداشتند (فارسی ۱، ص ۱۳۹)

در جمله بالا عبارت پس از که به‌اصطلاح عبارتی تحدیدی و وصف سنگ بزرگ است و نیازی به جداسازی ندارد.

۳) انسانی که حاضر است، نمی‌تواند غایب باشد ... (فارسی ۲، ص ۷۹)
در اینجا نیز همچون مثال قبل عبارت تحدیدی که وصف انسان است نیازی به جداسازی ندارد.

۴) این همه نقش عجب بر درودیوار وجود/ هرکه فکرت نکند، نقش بود بر دیوار (فارسی، پایه ۹، ص ۱۳)

عبارت «هرکه فکرت نکند» مسندالیه است و نباید جدا شود.

... تفاوت دارند که سازه‌هایی آزاد و متحرک‌اند و پیش از آن‌ها نقطه یا نقطه‌ویرگول به کار می‌رود.

۷. ویرگول و کاربرد مکانیکی آن

در کتاب‌های درسی به خصوص درس فارسی رگه‌هایی از نشانه‌گذاری مکانیکی دیده می‌شود؛ مثلاً در بسیاری از موارد هر جا متممی به کار رفته بدون دقت و تأمل پس از آن ویرگول گذاشته شده است. این شیوه نشانه‌گذاری به دو دلیل اشتباه است؛ اگر متمم وابسته به فعل نباشد و در وسط جمله آمده باشد، باید در دو طرف متمم ویرگول گذاشته شود و اگر متمم وابسته به فعل باشد، یعنی متمم فعلی باشد، بین متمم و فعل نیاز به گذاشتن ویرگول نیست. برای روشن شدن مسئله مثال‌هایی ذکر می‌شود. در این مثال‌ها همگی تنها پس از متمم از هر نوعی ویرگول به کار رفته است که نشان‌دهنده عملکرد مکانیکی ویراستار یا نویسنده است.

۱-۷. کاستی در جداسازی متمم غیر فعلی

متمم‌های غیرفعلی از اجزای اصلی جمله نیستند و بنابراین چنانچه در درون جمله بیایند باید با دو ویرگول در طرفین جدا شوند؛ در صورتی که، در این مثال‌ها همگی به یکسان و فقط در طرف انتهایی با ویرگول جدا شده‌اند.

۱) این سروده را از دید لحن و آهنگ خوانش، بررسی نمایید. (فارسی ۲، ص ۲۵)

۲۳) همه تیغ و گرز و کمند آورید/ به ایرانیان، تنگ و بند آورید (فارسی ۱، ص ۱۵)

۴) ... بیامد که جوید ز ایران، نبرد/ سر هم نبرد اندر آرد به گرد (همان‌جا)

۵) پشت دیوار آنچه گویی، هوش‌دار/ تا نباشد در پس دیوار، گوش (همان‌جا)
۷) ای کعبه به داغ ماتمت، نیلی‌پوش/ وز تشنگی‌ات، فرات در جوش و خروش (فارسی ۲، ص ۹۱)

۸) خسرو را در میان تشک با حریفی قوی پنجه که از خراسان بود، دیدم. (فارسی ۱، ص ۱۲۴)

۹) برآویخت رهام با اشکبوس/ برآمد ز هر دو سپه، بوق و کوس (فارسی ۱، ص ۹۵)

در مصرع دوم این بیت، باید متمم «ز هر دو سپه» یا بدون ویرگول بیاید یا در پیش از آن هم ویرگولی گذاشته شود تا این ابهام پدید نیاید که «سپه» واژه‌ای هم‌پایه با «بوق و کوس» است.

۲-۷. خطا در جداسازی متمم فعلی

متمم‌های فعلی از وابسته‌های فعل‌اند و از فعل نباید جدا شوند.

۱) جمله عالم زین سبب گمراه شد/ کم کسی ز ابدال حق، آگاه شد (فارسی ۱، ص ۱۱۴)

۲) افسر و سرباز ما زمانی از مرزهای وطنمان، خوب پاسداری می‌کنند که ... (فارسی ۲، ص ۴۲)

در زبان فارسی این نوع ویرگول انتهایی رایج نیست، اما به نظر می‌رسد کاربرد او عطف که ترجیح قدما بوده است در مواردی جمله را رساتر کند:

- ملک‌الشعرای بهار، فریدون مشیری و فریدون تولکی سروده‌هایی در این قالب دارند (فارسی ۲، ص ۳۲)

همچنین در مواردی نیز او عطف از شبهه منادا بودن اولین نام که ممکن است در ابتدا در ذهن ایجاد شود، جلوگیری می‌کند:

- دوستان، مدیران و همکاران ارجمند همه جمع‌اند.

برخلاف تصور رایج، گاهی نیز نیاز است که پس از حروف ربط، مثل او و که، ویرگول گذاشته شود و آن زمانی است که یک جزء فرعی (مثل متمم، قید، عبارت معترضه و ...) پس از یک حرف ربط قرار گیرد و بین دو سازه هم‌پایه فاصله بیندازد:

- این ورزشکاران پرتلاش که، به‌رغم برخی شایعات مخالفان، به تمرینات خود ادامه دادند، برای مسابقات آسیایی آماده شدند.

- ارقام گزارش شده از سازمان‌ها و، در صورت درستی اطلاعات، از برخی خبرگزاری‌های خارجی گویای وخامت وضعیت اقتصادی در برخی از نقاط جهان است.

اما چنانچه این اتفاق نیفتد، نیازی به کاربرد ویرگول نیست:

- برای من مگری و، مگو دریغ! دریغ!/ به دام دیو درافتی، دریغ این باشد (فارسی ۲، ص ۷۱)

در بیت بالا دو فعل مگری و مگو هم‌پایه‌اند و کاربرد ویرگول پس از او عطف اشتباه است.

در مورد حروف ربط نکته دیگری نیز وجود دارد که در زبان فارسی کمتر بدان توجه می‌شود. کلماتی مانند اما، اگر، یا، چون و ... دو جمله یا عبارت را به هم پیوند می‌دهند. کاربرد ویرگول پیش از این کلمات نیز بستگی به میزان این پیوند دارد. چنانچه بین دو جمله مستقل قرار گیرد، می‌توان ویرگول به کار برد، ولی چنانچه بین اجزای درون جمله باشد یا جمله دوم وابسته تام به جمله اول باشد، نیازی نیست؛ برای نمونه، در جملات شرطی، چنانچه جمله همراه با اگر پس از جمله اصلی باشد نیازی به ویرگول نیست:

ده دینار تو را دهم، اگر تو این صندوقچه من از اینجا برآوری (فارسی ۱، ص ۱۲۸)

در جمله بالا کلمه «اگر» بین دو جمله قرار گرفته و نیازی به کاربرد ویرگول نیست. گذاشتن ویرگول زمانی مهم است که ترتیب جملات برعکس شود؛ یعنی جمله‌ای که حرف اگر بر سر آن آمده قبل از جمله اصلی بیاید و بدین ترتیب عنصر پیوند بین دو جمله از میان برداشته شود.

این عناصر یا کلمات پیونددهنده با عبارات قیدی - مثل به‌هرحال، باوجوداین، به‌عبارت‌دیگر، در این میان، بنابراین، افزون بر این، برای مثال و

۸) راست به مانند یکی زلزله / داده تنش بر تن ساحل، یله (فارسی ۱، ۱۵)

۳-۷. سایر موارد

در این نمونه، متمم وابسته مفعول است و نباید جدا شود.

۷) نمونه‌ای از کاربرد نقش تبعی «بدل»، در متن مشخص کنید (فارسی ۲، ص ۷۹)

البته چنانچه در دو سوی متمم «در متن» ویرگول به کار می‌رفت، اشکالی نداشت اما بدان هم نیاز نیست، زیرا جمله کوتاه و روشن است.

۸. سخن پایانی

نتایج بررسی و مرور متون مختلف و، به‌طور خاص، کتاب‌های درسی نشان‌دهنده آشنا نبودن نویسندگان یا ویراستار محترم با اصول و پایه‌های علمی نشان‌گذاری است. این اشکالات در کتاب‌های درسی به‌هیچ‌روی جبران‌شدنی یا توجیه‌پذیر در کلاس درس نیستند و معلم یا باید قلم خطا بر سند ملی مهمی که همان کتاب درسی است بکشد تا دانش‌آموز در سردرگمی و ابهام نماند، یا آن را نادیده بگیرد و از کنار آن با بی‌تفاوتی بگذرد که، در هر صورت، پیامدهای نامطلوبی برای نظام آموزشی خواهد داشت. نکاتی که در این جستار ذکر شد، به‌منظور ساده‌سازی درک و دریافت کارکرد نشانه‌ها و رهایی از به‌خاطر سپاری قواعد متعدد و بدون توجیه و نیز تبیین اهمیت نشانه‌ها در نوشتار است. این مطالعه اجمالی شامل کاربرد یکی از نشانه‌ها آن‌هم در یکی دو کتاب درسی بوده است و مسلماً اشکالات زیادی از نظر کاربرد مجموع نشانه‌ها و به‌ویژه رعایت نیم‌فاصله که از ویژگی‌های منحصربه‌فرد و اساسی زبان فارسی است در این کتاب‌ها وجود دارد. پیشنهاد می‌شود که به این نکات در تدوین کتاب‌ها توجه شود تا بخشی از مشکلات و ضعف‌های دانش‌آموزان که به مهارت خواندن مربوط است برطرف شود.

منابع

- ذوالفقاری، حسن (۱۳۹۶). آموزش ویراستاری و درست‌نویسی، چاپ سوم، تهران: نشر علم.
- سمیعی گیلانی، احمد (۱۳۸۷). نگارش و ویرایش، چاپ نهم، تهران: سمت.
- غلامحسین‌زاده، غلامحسین (۱۳۸۰). راهنمای ویرایش، چاپ دوره، تهران: سمت.
- فارسی، پایه نهم، دوره اول متوسطه (۱۳۹۸). سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش. تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران. مؤلفان: حسین قاسم‌پور مقدم، فریدون اکبری شلدره، علیرضا چنگیزی، محمدرضا سنگری و عباسعلی وفایی.

- فارسی (۱) پایه دهم، دوره دوم متوسطه (۱۳۹۸). سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش. تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران. مؤلفان: حسین قاسم‌پور مقدم، شهناز عبادتی، فریدون اکبری شلدره، محمدرضا سنگری و مریم عاملی رضائی.

- فارسی (۲) پایه یازدهم، دوره دوم متوسطه (۱۳۹۸). سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش. تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران. مؤلفان: حسین قاسم‌پور مقدم، شهناز عبادتی، فریدون اکبری شلدره، محمدرضا سنگری و مریم عاملی رضائی.

- فارسی (۳) پایه یازدهم، دوره دوم متوسطه (۱۳۹۸). سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش. تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران. مؤلفان: حسین قاسم‌پور مقدم، شهناز عبادتی، محمدرضا سنگری و احمد تمیم‌داری.

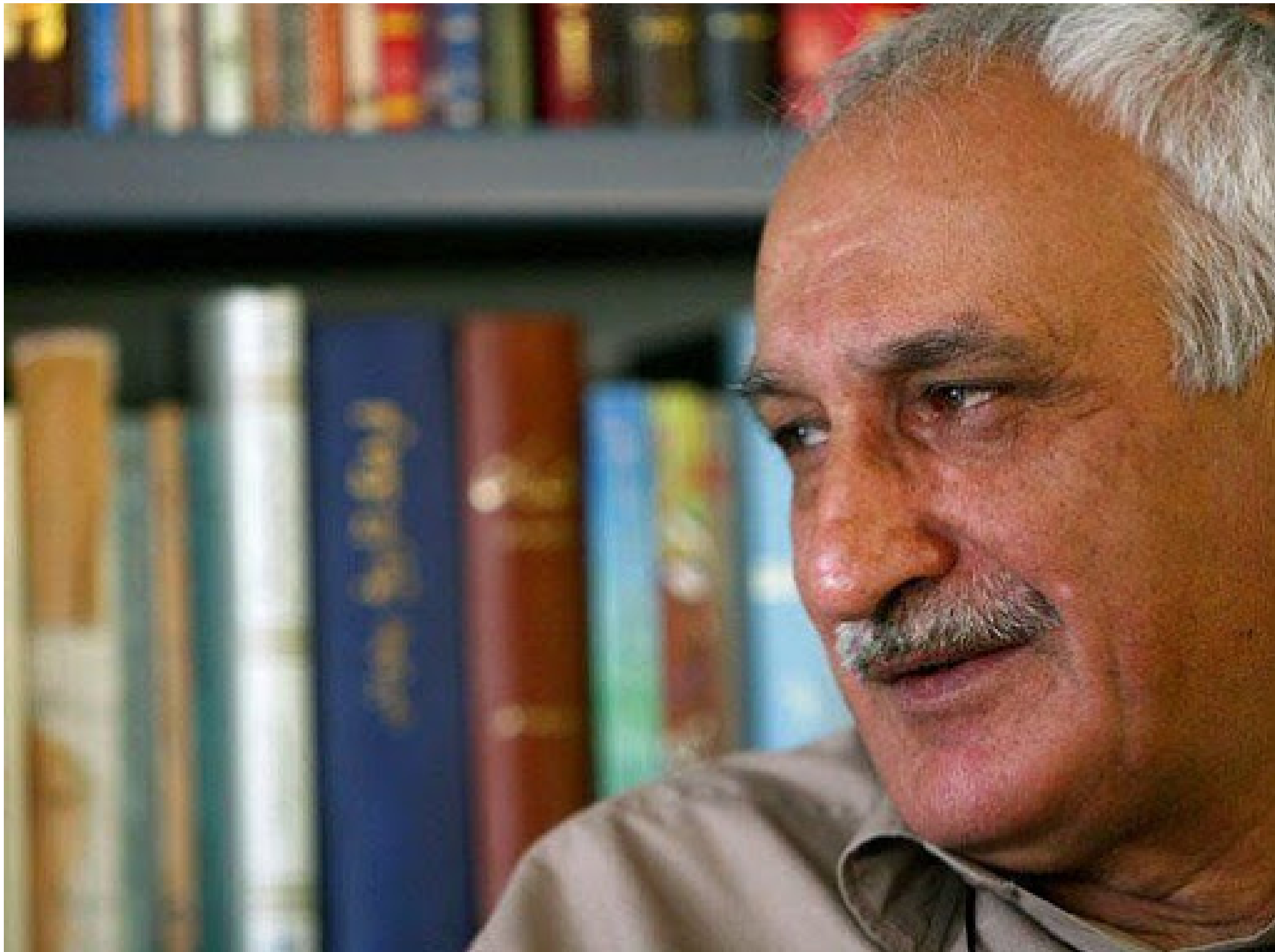
- فرهنگستان زبان و ادب فارسی (۱۳۹۹). مصوبات فرهنگستان زبان و ادب فارسی، دفتر ششم.

<https://tools.wmflabs.org/farhangestan/static/searchform.html>

- فلسفه (۲)، پایه دوازدهم دوره دوم متوسطه (۱۳۹۸). سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش. تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران. اعضای شورای برنامه‌ریزی و تألیف: محمد مهدی اعتصامی، فخری ملکی، حمید پارسانیا، علی شیروانی، رسول برجسیان، سعید انواری، مهدی رئیسی.

- واشقانی فراهانی، ابراهیم (۱۳۹۰). آیین نگارش و ویرایش، تهران، فردوس.

- Garner, Bryan A. (2016). *Garner's Modern English Usage*. Oxford University Press. p. 748. <https://global.oup.com/academic/product/garners-modern-english-usage-9780190491482>
- The Writing Center, University of North Carolina at Chapel Hill, <https://writingcenter.unc.edu/tips-and-tools/commas>
- Webster, Merriam (2003). *Collegiate Dictionary*, 10th edition, Incorporated Springfield, Massachusetts, U.S.A.



انوشه زیست و انوشه مرد

ای دریغا دفتر آرای قلم افکنده است کز پس او دفتر آرای به پایان می‌رسد (مظاهر مصفا)

نیفتاد که با عزمی راسخ به حیات علمی خود ادامه داد و حاصل آن ده‌ها اثر غرورآفرین شد که اکنون صفحات زرین فرهنگ و ادب ایران زمین با آنها زینت یافته و هزاران دانش‌پژوه از خرمن دانش آن دانشی‌مرد بهره می‌برند. استاد حسن انوشه (۱۳۲۳ بابل-۱۳۹۹ تهران) نویسنده‌ای خوش‌فکر، پژوهنده‌ای دانا و با پشتکار، مترجمی خوش‌قلم و دانشنامه‌نگاری جامع‌الاطراف بود. او تمام عمر خود را در حوزه ایران‌شناسی و تاریخ و زبان

دکتر حسن ذوالفقاری
انوشه، انوشه زیست و انوشه‌روان به سرای جاوید شتافت. دوست و یار دیرین من دیگر بین ما نیست. مردی باهمتی بلند که بس تلخی‌ها که بر او رفت اما هیچ‌گاه از همت مردانه و صلابت و استواری او فرو نکاست. حالا باید آنان که به ناروا در روزهای آغازین انقلاب بر او جفا کردند، شرم‌منده و نزد خداوند روسیاه باشند. گرچه خواستند او را از پای بیفکنند اما از پای

مدرسه می‌دید، می‌گفت پسر جان برو خانه. چه کسی تو را این‌قدر زود فرستاده مدرسه! فقط کلاس نهم کمی شیطنت کردم. با دوستانی افتادم که درس خوان نبودند. من پانزده ساله بودم. سال‌های بحرانی عمرم؛ بلوغ. خوشبختانه رفوزه شدم. ناگهان خودم را پیدا کردم. دیدم درس خواندن و شیطنت با هم جمع نمی‌شود.» (ماهنامه سرآمد، بنیاد نخبگان)

کتابخانه‌ای بزرگ با پنجاه‌هزار جلد کتاب داشت؛ به‌خصوص در حوزه منابع افغانستان و آسیای میانه و هندوستان و جهان ایرانی یکتا بود و مرجع. هرگاه کتابی در این حوزه‌ها می‌خواستیم یک‌راست به کتابخانه شخصی ایشان در مرزداران می‌رفتم و البته استاد با گشاده‌روی دروغ نمی‌کرد. گشاده‌دست هم بود؛ هر کتابش که منتشر می‌شد با لطف فراوان که به من داشت، مرحمت می‌کرد. همه آثارش را به محض انتشار با امضا هدیه می‌داد و من نیز متقابلاً دادوستد داشتیم. به شوخی می‌گفت تا ببینیم کی بیشتر کتاب می‌دهد. بشاش و شوخ طبع بود. وقتی به او سر می‌زدم به گرمی پذیرا بود. اول سیگارش را روشن می‌کرد و پک محکمی می‌زد و سر سخن را باز می‌کرد. شیرینی گفتار و خوش‌سخنی، ذاتی او بود. هیچ‌وقت دوست نداشتم حرفی بزنم مبادا از خوش‌گویی و نکته‌گویی‌هایش محروم بمانم. لبخندی در صورتش حک شده بود و من ندیدم هیچ‌گاه این خنده را نداشته باشد. با ته‌لهجه بابلی حرف می‌زد که نشان دل‌بستگی او به آنجا و مازندران بود. بسیار فروتن، خاکی و متواضع بود. همچنان معلم باقی مانده بود. چنان خوش‌رو و خوش‌برخورد بود که انگار سال‌ها با او دوستی داری. هیچ‌گاه با تمام سختی‌ها که کشید و چشید شکوه نمی‌کرد فقط از بی‌توجهی به نشر و ادامه انتشار دانشنامه گله‌مند بود که در زندان انتشارات وزارت ارشاد حبس شده است. من کسی را به اندازه او ایران‌دوست ندیدم. برای ایران گام‌های عملی برداشت. شعار نمی‌داد.

صفت اصلی او پرکاری و خستگی‌ناپذیری بود؛ روزی دوازده ساعت بی‌وقفه کار می‌کرد. کارهای او متنوع بود از تاریخ و ترجمه و ادبیات تا فرهنگ‌نگاری و مطالعات ایران‌شناسی و مازندران پژوهی. در ترجمه توانا بود و سلیس و معیار ترجمه می‌کرد. بر اثر غور در متون و خواندن بسیار، به کارش مسلط بود. ترجمه‌های او با تاریخ ایران کم‌بریج شروع شد. پنج جلد را ترجمه کرد؛ از ظهور اسلام تا آمدن دولت سلجوقیان، از سلوکیان تا فروپاشی دولت ساسانیان، از آمدن سلجوقیان تا فروپاشی دولت ایلخانان، از سلوکیان تا فروپاشی دولت ساسانیان. از ترجمه‌های دیگر اوست: تاریخ سیستان: از آمدن تازیان تا برآمدن دولت صفاریان، کلیفورداموند بازورث، ایران و تمدن ایرانی، اثر کلمان هوار، تاریخ غزنویان (جلد اول و دوم) کلیفورداموند بازورث، تاریخ تمدن: عصر ولتر، ویلیام جیمز دورانت، آریل دورانت، با همکاری سهیل آذری (علمی و فرهنگ) ایران در سینه‌دم تاریخ، جورج گلن کمرون. روزی از او پرسیدم با توجه به رشته‌ات که ادبیات عرب است، چگونه به ترجمه انگلیسی روی آوردی و از کجا آموختی؟ گفت از دوره سربازی و

و ادب فارسی در گستره جهان ایرانی صرف کرد و ده‌ها اثر یکی کاربردی‌تر و خواندنی‌تر و مفیدتر از دیگری نوشت. انوشه دانش‌آموخته دانشگاه تهران بود و در سال ۱۳۴۵ زبان و ادبیات عرب خواند. خود می‌گفت امیرحسین آریانپور و استاد جلال‌الدین همایی بر او تأثیر گذاشتند. استاد بهاء‌الدین خرمشاهی و استاد کامران فانی هم دوره‌هایش بودند. پس از فراغت از تحصیل در آغاز کار به معلمی در شهر بابل پرداخت. سپس به تهران مهاجرت کرد و از طریق ترجمه روزگار می‌گذراند. انس با کتاب در وجود او از کودکی نهادینه شده بود. خود در این باره می‌گوید:

«در خانه‌مان دیوان حافظ، قرآن، نهج‌البلاغه، حسین کرد شبستری، کتاب جوهری اثری از جودی خراسانی و درباره شهدای کربلا پیدا می‌شد. حتی چند کتاب چاپ سنگی هم داشتیم. مثلاً قرآنی که پدر بزرگم نام تمام مولودهای خاندان را حاشیه آن می‌نوشت یا دیوان حافظ. یکی از آرزوهای من این بود که آن دیوان حافظ را به من می‌دادند. علاقه‌مند به ادبیات بودم. سال ۱۳۴۱ تا ۱۳۴۲ مکرر در مازندران زلزله می‌آمد. خانه ما نزدیک اداره پست و تلگراف و تلفن وقت بود. مدت‌ها کارمندان پست‌خانه از ترس زلزله در باغ محوطه اداره چادر زده بودند. در آن دو، سه ماه استقرار آن‌ها در چادر، هرچه کتاب و مجله داشتند، خواندم؛ مثلاً مجله‌های روشنگر، سپید و سیاه و بیش از همه داستان‌های دنباله‌دار ذبیح‌الله منصوری را به خاطر دارم. در بابل یک کتاب‌فروشی بود که کتاب کرایه می‌داد. آن موقع ده شاهی برای خودش پولی بود، همراه کتاب کرایه می‌کردم و می‌خواندم. پول‌هایم را پس‌انداز می‌کردم. پدرم کشاورز بود. من هم کشاورزی می‌کردم. خانواده هم به کار من نیاز داشت. ما ده خواهر و برادر بودیم و من بچه دوم خانواده. من، برادر بزرگ‌ترم و برادر کوچک‌ترم از ما، هر سه، در مزرعه کار می‌کردیم. دخترها در خانه می‌ماندند و به مادرم کمک می‌کردند. عاشق کشاورزی بودم؛ روزی اگر حسن انوشه فعلی نبودم، حتماً کشاورز می‌شدم. کشاورز می‌شدم، اما کتاب هم می‌خواندم. همان موقع من هم درس می‌خواندم هم کشاورزی می‌کردم. نزدیک خانه ما یک خانه شاهنشاهی مثل قصر بود که هنوز هم هست. باغی هفتاد هکتاری داشت که پُر بود از درختان پرتقال. یک ماه آخر تابستان می‌رفتم برای سم‌پاشی باغ و سیصد تک‌تومان عاید می‌شد که هزینه یک سال تحصیلم را با همان پول می‌دادم. اهل درس بودم. موقع دیپلم گرفتن، شاگرداول استان مازندران شدم. ما اگر کار نمی‌کردیم، زندگی خانواده نمی‌چرخید. گاه تا نیمه‌شب باغداری می‌کردیم. بزرگ‌ترین آفت کاهوکاری، حلزون است. حلزون‌ها با تاریکی هوا بیرون می‌آیند و بوته‌های کاهو را ناقص می‌کنند. کاهو را پاییز به این امید می‌کاشتیم که زمستان برداشت کنیم. تمام شب‌های سرد، چراغ‌دستی دستمان می‌گرفتیم و با سیخ حلزون‌ها را می‌کشتیم. وقتی از شکار حلزون برمی‌گشتیم، انگار حاجی فیروز بودیم (باخته). از حلزون‌کشی که برمی‌گشتیم، می‌نشستم به درس خواندن. گاهی تا نیمه‌شب بیدار بودم. همیشه هول مدرسه را داشتیم. گاه دو ساعت زودتر راه می‌افتادم به سمت مدرسه. سرایدار مدرسه وقتی من را پشت در

استاد حسن انوشه

همچنان معلم باقی مانده بود

صفت اصلی او پرکاری و خستگی ناپذیری بود

غربت، زندگی‌نامه و نمونه سروده‌های شاعران تبعیدی افغانستان» با همکاری حفیظ الله شریعتی، منتشر کرد.

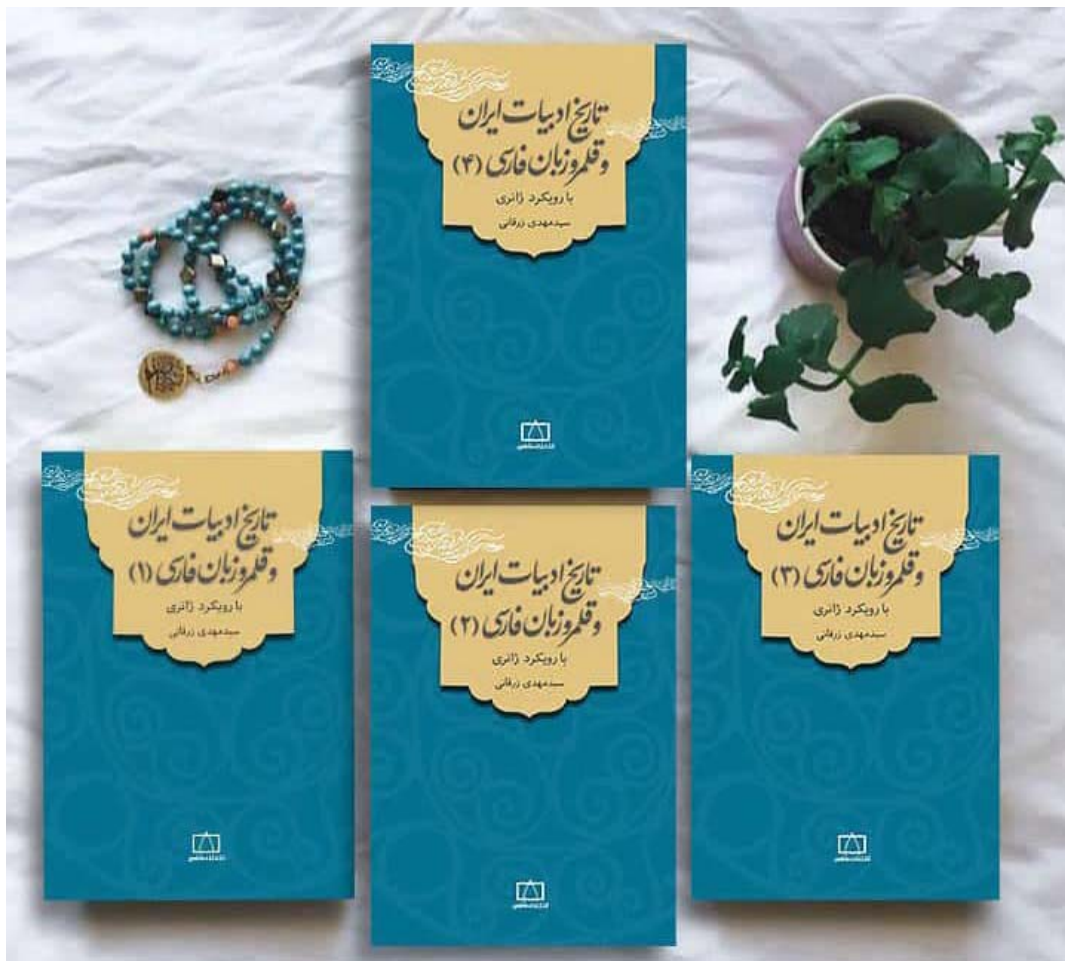
از اقدامات نیکوی او سرپرستی دانشنامه مازندران در بابل بود که با همت و پشتیبانی مالی یکی از پزشکان متعهد به نام دکتر علی شافی پزشک فرهنگ‌دوست بابلی تأسیس شد. این مؤسسه که به نام این استاد بزرگ «بنیاد مازندران پژوهی انوشه» نامیده شده می‌کوشد تا تمام ابعاد تاریخی، جغرافیایی، فرهنگی، هنری، ادبی، اجتماعی و اقتصادی آن جستجو و شناسایی کند. نخستین گام در این راه نگارش و تدوین دانشنامه مازندران به سرپرستی استاد بود که در آستانه انتشار است. دانشنامه مازندران در سه جلد و هر جلد دارای یک هزار صفحه و در مجموع شش هزار و پانصد مقاله دارد. با وجود بیماری هر هفته برای ویرایش و انجام امور دانشنامه مازندران به بابل می‌رفت. یک‌بار هم به دعوت پژوهشگران از آنجا بازدید کردم. وقتی دیدم با دست‌های خالی کتابخانه‌ای تخصصی و آبرومند فراهم کرده، سخت شگفت‌زده شدم. کتابخانه‌ای که برای این شهر فرهنگ‌پرور و استان زرخیز باقی خواهد ماند. یکی از برنامه‌هایش این بود که کتاب‌هایش را به بابل انتقال دهد و نمی‌دانم این آرزویش محقق شد یا نه.

جز این آثار، جلد اول دانشنامه زنان را زمانی نوشت که در بابل بود. «گزیده نوروژنامه» خیام همراه با شرح دشواری‌ها و گفتاری درباره نوروژ با همکاری دو تن دیگر از دانشوران نیز به‌تازگی منتشر شده است؛ «دانشنامه ناشنویان (دانا): جامعه‌شناسی قوانین ناشنویان در آمریکا» هم از او چاپ شده است. در سال‌های اخیر مدیر بخش تاریخ مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی هم شد. وی عضو هیئت‌امنای بنیاد فردوسی بود. فرزند وی یعنی دکتر مزدک انوشه، استادیار گروه زبان‌شناسی دانشگاه تهران است؛ و سرانجام آدمی مرگ است. نویسنده و سرپرست توانای دانشنامه ادب فارسی در روز شنبه ۲۳ فروردین‌ماه در سن ۷۶ سالگی به دلیل بیماری سرطان درگذشت.

روحش شاد

هنگامی که در پادگان بیکار بودم. بدون معلم و خودم بر اثر علاقه زبان انگلیسی را فراگرفتم. خوب هم از عهده برآمد. خود در این باره می‌گوید: «دیپلم که می‌گرفتم، در زبان انگلیسی، نمره‌ام شد یک و ۸۳ صدم. مانده‌ام آن ۸۳ صدم را چطور محاسبه کردند! یکی از دوستانم، کامران فانی، گفت: حسن، اگر می‌خواهی با استعمار مبارزه کنی، اول باید فرهنگ و زبانش را بشناسی. به کمک او یاد گرفتم. اکنون نزدیک به بیست هزار صفحه ترجمه دارم. دلیل تسلطم به زبان علاقه‌ای است که به تاریخ ایران دارم.»

دانشنامه ادب فارسی مهم‌ترین خدمت او به زبان و ادب فارسی بود. کاری سترگ که یک‌تنه و بدون هزینه‌های گزاف طی بیست سال به ثمر رساند. این دانشنامه از سال ۱۳۷۰ آغاز شد و نخستین جلدش در سال ۱۳۷۵ منتشر شد. این مجموعه نه جلد شامل ادب فارسی در ادب فارسی، ادب فارسی در شبه‌قاره، ادب فارسی در افغانستان، ادب فارسی در آسیای میانه، ادب فارسی در جهان عرب، ادب فارسی در آسیای صغیر است. هنوز پنج جلد آن منتظر چاپ مانده است. این دانشنامه حکم کتابخانه‌ای جامع برای مردم و پژوهشگران و مرجعی برای ایران‌شناسان دارد. دانشنامه اکنون در جهان از شهرت بین‌المللی برخوردار است و جا دارد به زبان‌های دیگر ترجمه شود. تمام مدخل‌های ادبی و ایران‌شناسی در آن هست. در تدوین آن از جمعی نویسندگان بهره گرفت. برخی با این دانشنامه و در محضر وی آموزش دیدند و خود اکنون نویسنده‌ای توانمند هستند. انوشه با این مجموعه گستره و نفوذ زبان فارسی را در جهان نشان داد و آن را به جهانیان شناساند. هرگاه بخواهم دانشجویان ایرانی و غیرایرانی را به وسعت زبان فارسی توجه دهم آنان را به این دانشنامه و مطالعه و حداقل تورق آن هدایت می‌کنم. به قلمرو زبان فارسی در افغانستان دل‌بسته بود. فارسی‌ناشنیده را با همکاری غلامرضا خدابنده‌لو نوشت. فرهنگ واژگان و اصطلاحات فارسی و فارسی‌شده کاربردی در افغانستان است. درباره شاعران معاصر افغانستان هم کتابی با نام «افغانستان در



نگارش «تاریخ ادبیات ایران و قلمرو زبان فارسی» با رویکرد ژانری

دکتر سید مهدی زرقانی^۱

ژانرها با نظم گفتمانی حاکم بر جامعه‌ای که از دل آن سر برآورده‌اند، ارتباط ژانرها با یکدیگر، شناسایی کانون‌های ادبی در طول تاریخ و تعیین ژانرهای غالب در هر کانون، شناسایی و معرفی چهره‌های شاخص در هر ژانر و مسائلی از این دست. منتها از آنجاکه رویکرد ژانری در گروه‌های ادبی کمتر مورد توجه بوده، اطلاعات ما درباره نظام ژانری ادبیات فارسی بسیار کم است و تا آرشو کاملی از آثار به دست نیاوریم و همه آن‌ها را با رویکرد ژانری معرفی کنیم، تألیف کتاب کاملی درباره تاریخ ادبیات ایران با رویکرد ژانری عملاً امکان‌پذیر نیست. کتاب حاضر، در خوش‌بینانه‌ترین حالت معرفی رویکرد مذکور است و پیاده کردن آن بر روی متون تا آنجا که ما توانستیم به شناسایی و معرفی آن‌ها توفیق یابیم. کتاب، هیچ ادعایی بالاتر از این ندارد.

باری، تدوین جلدها، بخش‌ها و فصل‌های کتاب بر اساس دو متغیر است: لحظات تحول ژانرها و متغیرهای برون‌متنی مؤثر بر نظام ژانری. بر این اساس، در جلد نخست به سراغ نخستین دوره‌هایی رفته‌ایم که گزارش‌هایی از ادبیات ایرانی در اختیار داریم. اطلاعات ما درباره آن روزگاران دور و دیر اندک و آرشویمان تقریباً خالی است؛ منتها با کمک گزارش‌های مورخان یونانی و برخی تحقیقات دیرینه‌شناسان سعی کردیم نشان دهیم چطور ژانرها در دل اساطیر ذره‌ذره شکل گرفتند و صورت‌های اولیه‌شان در سینه‌ها ثبت و ضبط شد. این ماجرا را تا دوره ساسانیان، که سنت شفاهی به مکتوب تبدیل شده،

رویکردهای جدید به ما فرصت می‌دهند تا از منظرهای متفاوتی به ادبیات گرانسنگ فارسی بنگریم و زوایایی از آن را ببینیم و به دیگران هم نشان دهیم که تا پیش از آن، چنان‌که شاید و باید، به چشم نیامده بود. با اینکه مطالعات گونه‌شناسی در ادبیات مغرب‌زمین پیشینه بسیار کهنی دارد اما نخستین تلاش‌ها با چنین رویکردی به چهل پنجاه ساله اخیر محدود شده و در همین مدت نیز بر مبنای نظری محکمی استواری بنا نشده است. هرچند بخشی از ابهام مفهوم «گونه و نوع» به خود موضوع بازمی‌گردد و نمی‌توان برای این اصطلاح، مثل خود ادبیات، تعریفی ارائه داد که مقبولیت عمومی کامل داشته باشد و پسند همه ذوق‌ها افتد اما ما با الهام از تعریف تودوروف، ژانر را این‌گونه تعریف کرده‌ایم: «تعدادی از متون که در یک طبقه قرار می‌گیرند و از قواعد زبانی یکسانی پیروی می‌کنند». در این تعریف سه مفهوم کلیدی وجود دارد: اول، «تعدد»، یعنی باید تعدادی متن باشد که بتوان آن‌ها را در یک «طبقه» قرار داد؛ دوم، «تشابه»، یعنی باید این تعداد متن از جهت کارکردهای زبان، تشابه‌های حداکثری داشته باشند و سوم، «تمایز»، یعنی آن متون باید از متونی که در بیرون آن طبقه قرار دارند، چندان متفاوت باشند که بتوان از یک «طبقه» سخن گفت. در «رویکرد ژانری»، که مبنای نظری ما را در این کتاب تشکیل می‌دهد، مسئله‌های اصلی محقق عبارت است از شناسایی آثار و طبقه‌بندی آن‌ها در ذیل ژانرها، معرفی زیرژانرهای هر ژانر، بررسی زمینه‌های شکل‌گیری ژانرها، مشخص کردن سیر تحول آن‌ها، تبیین رابطه

^۲ فرهنگستان زبان و ادب فارسی، بخش / گروه را در برابر واژه بیگانه «دپارتمان/department» با تعریف «بخش یا قسمتی از یک مؤسسه» تصویب کرده است.

^۱ استاد دانشگاه فردوسی مشهد

تحولاتی که در ادبیات قرن دهم اتفاق افتاده، ریشه در نظم گفتمانی قرن نهم دارد. آن دسته از مورخان ادبی که شتابزده از روی آسمان قرن نهم عبور کرده‌اند، دچار خطای شناختی و تحلیلی شده‌اند. ما برای اثبات ادعای خود بخش اول از جلد سوم را به بررسی وضعیت گفتمانی و نظم ژانری قرن نهم اختصاص دادیم تا معلوم شود که چرا باید قرن نهم و مکتب هرات را جدی گرفت. سپس در بخش دوم از جلد دوم وارد دوره صفویه شدیم و سعی کردیم نشان دهیم نظم گفتمانی جدید چه تغییری در کانون‌های ادبی و وضعیت ژانرها ایجاد کرده است؟

پس از صفویه و تا روی کار آمدن قاجار، دوران فترتی در تاریخ ادبی ظهور کرد که دست کم برای کتابی در این سطح، خیلی مسئله ندارد. هم از این روی، جلد چهارم را با بررسی ادبیات قاجاری آغاز کردیم. متأسفانه برخی اظهارنظرهای بزرگان ما در پنجاه سال اخیر سبب شده که ادبیات دوره قاجار به حاشیه رانده شود. در واقع، این خطای استراتژیک از آنجا آغاز شد که ما ابتدا ادبیات قاجار را در «نهضت بازگشت ادبی» خلاصه کردیم و با این استدلال که بازگشت ادبی، چیزی جز «ارتجاع و تقلید» نیست، عملاً ادبیات قاجاری را به حاشیه راندیم و توجه به آن را از مقوله اتلاف وقت تلقی کردیم. حال آنکه حادثه ادبی بزرگ دوره قاجار، «چرخش ژانری از ژانرهای منظوم به مثنوی» بود و شعر بازگشتی نماینده خوبی برای ادبیات دوره قاجار نیست؛ گو اینکه حتی همه آنچه به شعر بازگشتی معروف است را نمی‌توان به «ارتجاع و تقلید» متهم کرد. اگر متناسب با واقعیت‌های ادبی عصر، به جای تمرکز بر شعر بازگشت به سراغ ژانرهای مثنوی برویم، آن وقت خواهیم دید که نهال بسیاری از ژانرهای عصر جدید از نمایشنامه گرفته تا رمان، ژانرهای مطبوعاتی، ژانرهای ترجمه‌ای و ژانرهای عامیانه در این دوره کاشته شد و در دوره‌های بعدی به بار نشست. درست به همین علت است که ما در جلد چهارم تنها یک فصل را به شعر بازگشت و بقیه فصل‌ها را به ژانرهای مثنوی اختصاص دادیم.

قطعاً محققان بعدی با تمرکز بر روی ژانرهای کهنه و نو و بررسی‌های همه‌جانبه، چشم‌اندازهای جدیدی را پیش روی ما خواهند آورد که این کتاب هم به علت دانش اندک ما و هم مجال اندک کتاب توفیق دست یافتن به آن‌ها را نداشتیم. اما تمام سعی‌مان بر این بود تا در اقدامی روشمند و در مواردی با توسل جستن به بررسی‌های آماری، به مخاطب نشان دهیم که در هر دوره تاریخی و در هر کدام از کانون‌های ادبی، کدام ژانرها بیشتر و کدام کمتر مورد توجه بوده‌اند و چرا این‌گونه بوده است. طبیعتاً در بحث‌ها نقد و تحلیل‌های دیگری هم ارائه داده‌ایم که این مجال اندک جای طرح آن‌ها نیست. امید که مقبول طبع مردم صاحب‌هنر افتد.

نخستین ژانرهای مکتوب ایرانی شکل می‌گیرد، ادامه می‌دهیم. بخش اول از جلد اول در همین جا تمام می‌شود و بخش دوم اختصاص دارد به سه قرن نخستین اسلامی که مشخصه آن «انتقال میراث کهن دوهزارساله ایرانیان» به دوره اسلامی است. مسئله اساسی ایرانیان در سه قرن مذکور، «اثبات و تثبیت هویت» خودشان است که می‌توان آن را با دو کلید واژه «ایرانی مسلمان» تعریف و تحدید کرد. مهم‌ترین اتفاق تاریخ ادبی این دوره نیز همان است که ما از آن به «دگردیسی ژانرها» تعبیر می‌کنیم؛ دگردیسی ژانرهایی که از دوره پیشااسلامی وارد دوره اسلامی شدند و در شکل و شمایل جدید تولد دوباره یافتند. ما سعی کردیم از بخش دوم از جلد اول تصویری از این تکاپوی قوم را نشان دهیم. دنباله دگردیسی تا پایان قرن پنجم هم ادامه داشت و بنابراین ما در بخش سوم به بررسی وضعیت ژانرها تا میانه قرن پنجم پرداختیم. این نقطه از تاریخ ادبیات ایران منطقه مناسبی بود که نخستین برش تاریخ ادبی را ایجاد کنیم. ایرانیان موفق شده بودند میراث کهن خویش را به دوره جدید منتقل کنند و هویتشان را اثبات و تثبیت. پس باید جلد نخست را تمام می‌کردیم.

برش تاریخی بعدی، از میانه قرن پنجم آغاز و تا پایان قرن هشتم ادامه دارد. نظم گفتمانی در حال تغییر بود. حکومت‌ها از ایرانی به غیرایرانی تغییر یافتند، قرائت‌های تازه از دین در حال گسترش بود که اصالت را به جنبه‌های باطنی دین می‌داد و متفکران اندک‌اندک به سوی گسترش «دیانت» پیش رفتند. درست در این زمان بود که «تصوف»، که از قرن‌ها پیش به‌عنوان یک گفتمان حاشیه‌ای در ذهن و زبان ایرانیان جای خود را باز کرده بود، فرصت را مناسب دید تا از حاشیه نظم گفتمانی به مرکز بیاید. این حرکت از حاشیه به مرکز حدوداً ۱۵۰ سال طول کشید؛ بازه زمانی که ما از آن به «دوران گذار» تعبیر کرده‌ایم. بنابراین، باید بخش اول از جلد دوم را به این روزگار گذار اختصاص می‌دادیم تا نشان دهیم که چگونه شد فرهنگی که روزگاری رودکی، فرخی، عنصری، انوری، دقیقی و فردوسی تولید می‌کرد، سنایی‌ها، عطارها، مولوی‌ها، حافظ‌ها و سعدی‌ها سر برآوردند. اینکه ویژگی‌های دوره گذار چیست؟ کانون‌های ادبی کجا هستند؟ وضعیت ژانرها چگونه است؟ و گذار در چه زمینه‌های فرهنگی و ادبی صورت گرفته، پرسش‌های اصلی ما در این بخش کتاب است. سده‌های هفتم و هشتم نظم گفتمانی جدیدی بر سرتاسر قلمرو زبان فارسی حکم فرما شد که دال مرکزی آن تصوف بود. بنابراین، ما باید به مخاطب نشان می‌دهیم که در این دو قرن کانون‌های ادبی کجا هستند؟ چهره‌های شاخص چه کسانی هستند؟ کدام ژانرها در کدام کانون‌ها بیشتر و کدام کمتر است و این‌ها مسائلی است که در بخش دوم از جلد دوم مورد توجه ما قرار گرفت.

جلد سوم را از قرن نهم آغاز و به پایان صفویه خاتمه دادیم. بخش اعظم

فهرست مطالب دوره چهار جلدی تاریخ ادبیات ایران و قلمرو زبان فارسی

(با رویکرد ژانری)

جلد اول

۱. مقدمه..... ۱	۲. سخنی با استادان و دانشجویان..... ۲
۲. مبانی نظری..... ۷	۱. ملاحظات مقدماتی..... ۷
۲. رویکرد ژانری..... ۸	۱-۲. الزامات تعریف..... ۸
۲-۲. شاخصه‌های تعیین ژانر..... ۹	۳-۲. ژانر ترکیبی، ژانر تلفیقی..... ۱۱
۴-۲. ژانر مستقل، ژانر ضمنی..... ۱۱	۵-۲. ژانر و وجه..... ۱۲
۶-۲. ژانر، فرم و محتوا..... ۱۴	۷-۲. جنبه‌های برون‌متنی..... ۱۴
۳. بخش نخست، دوره پیشااسلامی: شکل‌گیری ژانرها در دل اساطیر	۱-۳. از مادها تا سکاها..... ۱۹
۲-۳. در دوره هخامنشیان..... ۲۷	۳-۳. ادبیات اوستایی..... ۳۶
۴-۳. در دوره فترت..... ۴۷	۵-۳. همراه با پارت‌ها..... ۵۳
۶-۳. عصر نوشتارها..... ۶۱	۷-۳. از پیامبر نقاش..... ۸۴
۸-۳. به زبان‌های دیگر..... ۹۶	
۴. بخش دوم، دوره اسلامی: دگرذیسی و تطور ژانرها	
۱-۴. دگرذیسی ژانرها در سه قرن نخست دوره اسلامی..... ۱۰۵	
۲-۴. کانون ادبی شرق ایران (طاهریان)..... ۱۳۷	
۳-۴. کانون ادبی شرق ایران (صفاریان)..... ۱۴۳	
۴-۴. کانون‌های ادبی شرق و شمال شرق ایران (سامانیان)..... ۱۵۷	
۵-۴. دنباله کانون‌های ادبی شرق و شمال شرق ایران (غزنویان)..... ۲۲۷	
۶-۴. کانون‌های ادبی مرکز و غرب ایران (آل بویه)..... ۲۶۸	
۷-۴. کانون‌های ادبی شمال ایران (علویان و آل زیار)..... ۲۸۹	
- فهرست منابع و مآخذ..... ۳۱۲	
جلد دوم	
۱. مقدمه..... ۱	
۲. بخش اول: روزگار گذار؛ از میانه قرن پنجم تا پایان قرن ششم	
۱-۲. چشم‌انداز عصر در روزگار گذار..... ۷	
۲-۲. دوره گذار..... ۸	
۱-۲-۲. فروپاشی نظم اجتماعی..... ۸	
۲-۲-۲. صف‌آرایی‌های خشن ایدئولوژیک..... ۱۱	
۳-۲-۲. گذار از جمع‌گرایی به فردگرایی..... ۱۶	
۴-۲-۲. گذار از ملیت - دیانت‌محوری به دیانت‌محوری..... ۱۷	
۵-۲-۲. از خود بیگانگی..... ۱۷	
۶-۲-۲. اعتراض به وضعیت موجود..... ۱۸	
۷-۲-۲. شکل‌گیری وضعیت زایشی..... ۲۰	
۸-۲-۲. شکل‌گیری موزائیک فرهنگی..... ۲۲	
۳-۲. مقایسه تطبیقی دو دوره..... ۲۳	
۴-۲. گذار ادبی و تحول ژانرها..... ۲۵	
۵-۲. کانون ادبی خراسان..... ۵۱	
۶-۲. کانون ادبی مرکز و غرب ایران..... ۱۰۲	

۱۲۳	۷-۲. از شمال شرقی تا شمال غربی.....
۱۴۷	۸-۲. بررسی های آماری و مقایسه ای.....
۳. بخش دوم: عصر تثبیت گفتمان تصوف؛ سده های هفتم و هشتم	
۱۵۹	۱-۳. چشم انداز کلی عصر.....
۱۶۰	۱-۱-۳. ابعاد فاجعه.....
۱۶۳	۲-۱-۳. نظم گفتمانی جدید.....
۱۶۹	۳-۱-۳. حوادث مهم در حوزه ژانرها.....
۱۷۸	۲-۳. کانون ادبی مرکز و غرب ایران.....
۲۳۳	۳-۳. کانون های ادبی شبه قاره هند.....
۲۵۸	۴-۳. کانون ادبی خراسان و فرارود.....
۲۷۹	۵-۳. کانون ادبی آسیای صغیر.....
۲۹۹	۶-۳. کانون ادبی آذربایجان و طبرستان.....
۳۱۴	۷-۳. بررسی های آماری و مقایسه ای.....
۳۲۱	- منابع و مآخذ.....
جلد سوم	
۱	مقدمه.....
۵	۱. بررسی های برون متنی.....
۲۰	۲. نهضت بازگشت ادبی.....
۲۰	۱-۲. ملاحظات مقدماتی.....
۲۱	۲-۲. وجه تسمیه.....
۲۲	۳-۲. چرایی پیدایش.....
۲۳	۴-۲. تبارشناسی نهضت.....
۲۵	۵-۲. دوره بندی نهضت.....
۲۶	۶-۲. کانون های و انجمن های ادبی.....
۴۰	۷-۲. شاعران بازگشتی در جدال با بازگشت.....
۴۵	۸-۲. تقلید و خلاقیت در بازگشت ادبی.....
۴۸	۹-۲. ژانرهای شعری دوره بازگشت.....
۵۶	۱۰-۲. بررسی آماری.....
۵۸	۳. ژانر تاریخ.....
۵۸	۱-۳. ملاحظات مقدماتی.....
۵۹	۲-۳. چهره ها و آثار شاخص.....
۶۳	۳-۳. طبقه بندی مورخان.....
۶۷	۴-۳. رده بندی زیرژانرها.....

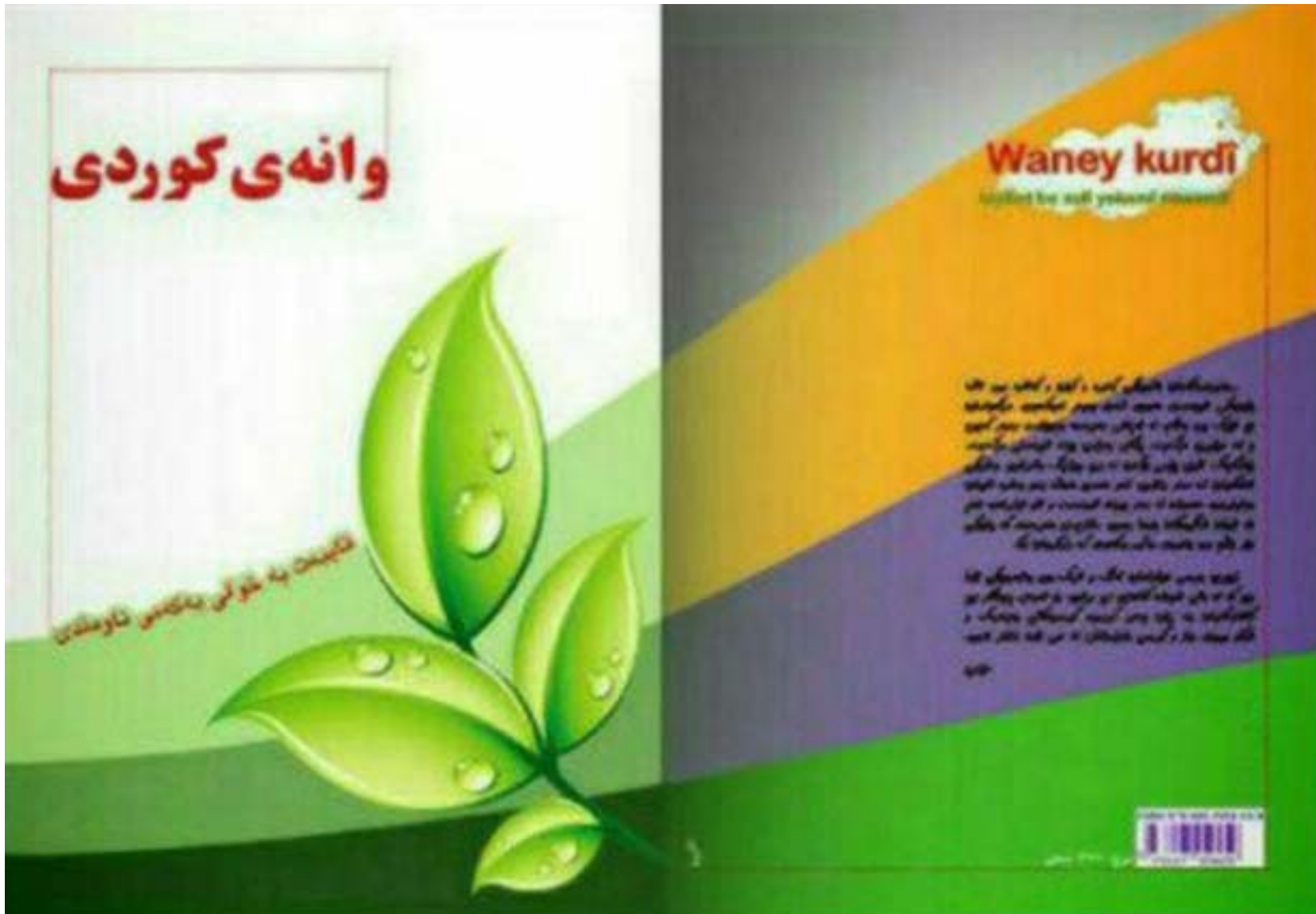
جلد چهارم

جلد سوم

۱. بخش اول: قرن نهم؛ تمهید تحول

۷	۱-۱. چشم انداز قرن.....
۷	۱-۱-۱. ملاحظات مقدماتی.....
۸	۲-۱-۱. داستان یک امپراطوری.....
۱۴	۳-۱-۱. قدرت های موازی.....
۱۶	۴-۱-۱. رقابت هنرها.....
۱۸	۵-۱-۱. جدال دو ادبیات: فارسی و ترکی.....
۲۰	۶-۱-۱. چهار جریان شعری.....
۲۶	۲-۱. کانون ها و ژانرها.....

- ۵-۳. تحول ژانر..... ۷۰
- ۶-۳. بررسی آماری..... ۸۳
۴. ژانر تذکره..... ۸۷
- ۱-۴. ملاحظات مقدماتی..... ۸۷
- ۲-۴. طیف تذکره نویسان..... ۸۸
- ۳-۴. طبقه بندی تذکره ها..... ۹۱
- ۴-۴. ژانرهای تلفیقی..... ۹۹
- ۵-۴. سبک نوشتار..... ۱۰۰
- ۶-۴. بررسی آماری..... ۱۰۶
۵. ژانر سفرنامه..... ۱۰۹
- ۱-۵. ملاحظات مقدماتی..... ۱۰۹
- ۲-۵. رده بندی سفرنامه ها..... ۱۱۰
- ۳-۵. سبک نوشتار..... ۱۲۹
- ۴-۵. بررسی آماری..... ۱۳۴
۶. ژانر رساله..... ۱۳۹
- ۱-۶. ملاحظات مقدماتی..... ۱۳۹
- ۲-۶. تعریف ژانر..... ۱۴۰
- ۳-۶. زیرژانرها..... ۱۴۰
- ۴-۶. سبک نوشتار..... ۱۵۲
- ۵-۶. بررسی آماری..... ۱۵۸
۷. ژانر منشآت..... ۱۶۱
- ۱-۷. ملاحظات مقدماتی..... ۱۶۱
- ۲-۷. نام گذاری و تعریف..... ۱۶۲
- ۳-۷. مرور تاریخی..... ۱۶۳
- ۴-۷. زیرژانرها..... ۱۶۴
- ۵-۷. سبک نوشتار..... ۱۷۰
۸. ژانر نمایشنامه..... ۱۷۵
- ۱-۸. ملاحظات مقدماتی..... ۱۷۵
- ۲-۸. سرچشمه های نمایش در ایران..... ۱۷۶
- ۳-۸. ترجمه نمایشنامه ها..... ۱۸۹
- ۴-۸. نمایشنامه ایرانی..... ۱۹۵
- ۵-۸. بررسی آماری..... ۲۰۸
۹. ژانرهای عامیانه..... ۲۰۹
- ۱-۹. ملاحظات مقدماتی..... ۲۰۹
- ۲-۹. ژانرهای عامیانه..... ۲۱۱
- ۳-۹. بررسی آماری..... ۲۳۱
۱۰. ژانرهای مطبوعاتی..... ۲۳۲
- ۱-۱۰. ملاحظات مقدماتی..... ۲۳۲
- ۲-۱۰. بافت موقعیت..... ۲۳۲
- ۳-۱۰. کرونولوژی مطبوعات..... ۲۳۶
- ۴-۱۰. از روزنامه تا ماهنامه..... ۲۴۹
- ۵-۱۰. تحول و تطور روزنامه ها..... ۲۵۲
- ۶-۱۰. بررسی آماری..... ۲۷۴
۱۱. ژانرهای ترجمه ای..... ۲۷۷
- ۱-۱۱. ملاحظات مقدماتی..... ۲۷۷
- ۲-۱۱. زمینه های شکل گیری نهضت ترجمه..... ۲۷۸
- ۳-۱۱. طیف مترجمان..... ۲۸۳
- ۴-۱۱. ژانرهای ترجمه ای..... ۲۸۵
- ۵-۱۱. بررسی آماری..... ۳۰۷
- منابع و مآخذ..... ۳۱۰



کتاب وانه‌ی کوردی، در ۹۸ صفحه رنگی و در قطع وزیری توسط انتشارات گوتار چاپ شده و تا اکنون هشت بار تجدید چاپ شده است.

تدوین گردیده است. بدین صورت که هر بخش کتاب شامل دو درس، یک حکایت و دو متن روان‌خوانی به نظم و نثر است.

هر درس آن نیز به لحاظ ساختار مرکب از بخش‌هایی چون، متن درس (نظم یا نثر)، خودآزمایی، آموزش رسم‌الخط زبان کردی، گفت‌وگو و تمرین آموزشی مربوطه است.

به لحاظ محتوا، حاوی مضامین والای انسانی از جمله، شگفتی‌های خلقت، عدالت، مهرورزی، آزادی، علم‌آموزی، وطن‌پرستی، راست‌گویی، کمک به هم‌نوع، آداب سخن گفتن و ... است.

در ضمن جهت تسهیل و تعمیق امر آموزش درس‌افزار آن نیز توسط همان گروه تهیه و تدوین شده است. این درس‌افزار تعاملی همراه با کتاب عرضه می‌شود.

شایان‌ذکر است کتاب وانه‌ی کوردی علاوه بر اینکه مورد تأیید فرهنگستان زبان و ادب فارسی کشور قرار گرفته است، از مجوز اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی ایران و اداره کل آموزش و پرورش استان کردستان نیز برخوردار است.

کتاب وانه‌ی کوردی توسط گروهی از دبیران زبان و ادبیات فارسی متوسطه دوره اول شهرستان سقز (سالار فتحی سرگروه ادبیات شهرستان سقز و سرپرست گروه و نویسندگان زاهد آرمی، انور برقی، محمود کرمی، امیر حبیبی، محمد عرفان پارسا و عبدالخالق رحمانی) با رویکرد آموزشی و به‌منظور نائل شدن به اهداف آموزشی دروس آزاد پیش‌بینی شده در فصل ادبیات بومی محلی کتاب‌های فارسی دوره اول متوسطه تألیف و تدوین گردید؛ و از سال تحصیلی ۹۳-۹۴ تا اکنون همچون ضمیمه‌ای برای کتاب فارسی و در کنار آن، در پایه‌های هفتم، هشتم و نهم در نواحی مختلف آموزشی مناطق کردنشین تدریس (این کتاب مورد استقبال شهرهای کردنشین استان‌های آذربایجان غربی و شرقی نیز قرار گرفته است) می‌شود.

کتاب وانه‌ی کوردی، متشکل از دو مقدمه، سه بخش، واژه‌نامه، اعلام اشخاص و منابع است. بخش‌های این کتاب به لحاظ حجم، ساختار و درون‌مایه در راستا و امتداد کتاب‌های فارسی دوره آموزشی مربوطه تألیف و



(منبع ۸)

آشنایی با دانشگاه‌های ایران و جهان (۴۲)

دانشگاه راجشاهی

در دانشکده هنرها، زبان‌های متعددی از جمله انگلیسی، بنگالی، عربی، اردو، سانسکریت و فارسی تدریس می‌شود. (منبع ۵)

سابقه تدریس زبان فارسی در دانشگاه راجشاهی به سال ۱۹۶۲ بازمی‌گردد که آموزش آن در سطح دیپلم در گروه آموزشی زبان‌ها آغاز شد. در سال ۱۹۹۶ این گروه در کنار آموزش زبان‌های اردو، سانسکریت، پالی و غیره دوره کارشناسی زبان فارسی را نیز ارائه داد. با تلاش‌های رایزنی فرهنگی ایران در داکا گروه زبان و ادبیات فارسی توانست استقلال خود را در آذرماه ۱۳۹۵ (نوامبر ۲۰۱۶) به‌عنوان یک گروه مستقل به دست آورد^۵ (منبع ۱ و ۶) این گروه دوره‌های زیر را در رشته زبان و ادبیات فارسی ارائه می‌دهد:

- دوره چهارساله کارشناسی
- دوره یک‌ساله کارشناسی ارشد
- دوره دوساله ام‌فیل^۶
- دوره سه‌ساله دکتری
- دوره‌های یک‌ساله دیپلم زبان فارسی معاصر (منبع ۶)

مینا گلستانی^۱

دانشگاه راجشاهی^۲ به‌عنوان دومین دانشگاه بنگلادش پس از دانشگاه داکا در سال ۱۹۵۳ تأسیس شد. (منبع ۱) این دانشگاه در وبگاه رتبه‌بندی دانشگاه‌ها^۳ رتبه سوم را در بنگلادش و رتبه ۲۲۷۵ جهانی را به خود اختصاص داده است.^۴ (منبع ۴) در حال حاضر حدود ۳۳ هزار نفر در حال تحصیل در این دانشگاه هستند.

دانشگاه راجشاهی با وسعت ۳۷ هکتار ۵۹ رشته دانشگاهی و نه دانشکده دارد (منبع ۱):

- دانشکده هنرها
- دانشکده حقوق
- دانشکده علوم
- دانشکده مطالعات بازرگانی
- دانشکده علوم اجتماعی
- دانشکده علوم زمین و حیات
- دانشکده کشاورزی
- دانشکده مهندسی
- دانشکده هنرهای زیبا

۱ دانشجوی رشته زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه تهران

2 University of Rajshahi

3 Webometrics Ranking of World Universities

۴ برای دانشگاه راجشاهی در رتبه‌بندی‌های THE (Times Higher Education

World University Rankings) ، QS (Quacquarelli Symonds (QS) و

World University Rankings) و رتبه‌بندی بعد از ۲۰۲۰ وزارت علوم، تحقیقات و

فناوری رتبه‌ای لحاظ نشده است.

۵ در سال تحصیلی ۲۰۱۷، تعداد دانشجویان زبان و ادبیات فارسی دانشگاه راجشاهی جمعاً ۱۷۳ نفر بود که ۱۴۰ نفر در مقطع کارشناسی، ۲۵ نفر در مقطع کارشناسی ارشد و هشت نفر در مقطع پیش‌دکتری و دکتری تحصیل می‌کردند. (منبع ۱)
۶ ام‌فیل (Master of Philosophy یا M.Phil.) مقطعی بین کارشناسی ارشد و دکتری است که پژوهش پایان‌نامه نقش مهمی در آن دارد.



(منبع ۱۰)



(منبع ۹)



(منبع ۱۱)

محمد شمیم خان، محمد نورالهدی، کمال الدین، محمد عطاءالله، محمد عثمان غنی^۱، محمد شفیع الله، تهمنه بیگم، سید ابو عبدالله، رضوانه اسلام شمی و محمد نذراالاسلام^۲ استادان زبان فارسی این گروه هستند. استادان مهمان این گروه، رضا سمیع زاده و امید همدانی، به ترتیب در سالهای ۱۳۹۶ و ۱۳۹۸ از دانشگاه بین المللی امام خمینی و دانشگاه فردوسی مشهد به دانشگاه راجشاهی اعزام شدند. (منبع ۲، ۶ و ۷)

در سالهای اخیر با همکاری مرکز فرهنگی ایران در داکا، یک اتاق تحقیقاتی به نام اتاق ایران شناسی در دانشگاه راجشاهی تأسیس شد. (منبع ۶) با این حال گروه ادبیات فارسی این دانشگاه از امکانات، تجهیزات و فضای لازم برخوردار نیست. به طور مثال فقط دو کلاس برای تدریس و یک اتاق به بخش ایران شناسی اختصاص یافته است و اکثریت اعضای هیئت علمی به صورت مستقل اتاق ندارند. همچنین در زمینه امکاناتی مانند رایانه و... دچار کمبود است. (منبع ۱ و ۲)

برنامه درسی مقطع کارشناسی شامل واحدهای زیر است:

سال اول: آموزش زبان فارسی (سطح مقدماتی)، تاریخ زبان فارسی، تاریخ ادبیات بنگالی، مهارت های مکالمه، شنیداری و نگارش فارسی، تأثیر فارسی در زبان و ادبیات بنگالی و دستور انگلیسی؛
سال دوم: آموزش زبان فارسی (سطح پیشرفته)، دستور زبان فارسی و نگارش، علم بدیع و عروض، تاریخ ادبیات فارسی در ایران (از دوره ساسانی تا پایان دوره سلجوقی)، نظم کلاسیک، نثر کلاسیک و دستور بنگالا؛
سال سوم: تاریخ ادبیات فارسی در ایران (از دوره مغول تا حال حاضر)، نظم میانه، نظم معاصر فارسی، نثر جدید (نمایشنامه و رمان)، آشنایی با تاریخ سیاسی ایران، نظم جدید و ادبیات بنگالی؛
سال چهارم: سبک شناسی و انواع ادبی، تاریخ ادبیات فارسی در بنگال (از قرن نوزدهم تا حال حاضر)، تاریخ ادبیات فارسی در شبه قاره (به جز بنگاله)، نظم نو، نثر معاصر (داستان کوتاه و رمان)، تصوف و عرفان در ادبیات فارسی، تأثیر فارسی در زبان و ادبیات بنگالی و تاریخ اسلام در شبه قاره (از ۱۲۰۰ م تا ۱۸۵۷ م).

واحدهای درسی کارشناسی ارشد عبارت اند از:

نظم فارسی در شبه قاره، نثر کلاسیک، قصیده در ادبیات فارسی، ادبیات فارسی قرن بیستم در ایران، نظم کلاسیک و روش تحقیق. (منبع ۲)

۱ محمد عثمان غنی همچنین مدیر گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه راجشاهی است. (منبع ۲)

2 Professor Dr. Md. Shamim Khan, Professor Dr. Md. Nurul Huda, Professor Dr. Md. Kamal Uddin, Professor Dr. Md. Ataulah, Professor Dr. Md. Osman, Professor Dr. Md. Shafiullah, Dr. Tahmina Begum, Dr. Syaid Abu Abdullah, Dr. Rizwana Islam Sammy and Mr. Mohammad Nazrul Islam.



(منبع ۱۱)

منابع

- ۱- فرهاد درودگریان و الهام حدادی، شور قند پارسی (بررسی وضعیت زبان و ادبیات فارسی در بنگلادش)، تهران: نشر خاموش، ۱۳۹۷.
- ۲- مصاحبه با امید همدانی، استاد مهمان دانشگاه راجشاهی، به تاریخ بهمن ۱۳۹۸.
- ۳- مصاحبه با الهام حدادی، استاد مهمان دانشگاه راجشاهی، به تاریخ بهمن ۱۳۹۸.
- 4- <http://webometrics.info/en/Asia/Bangladesh%20>
آخرین بازدید: بهمن ۹۸
- 5- http://www.ru.ac.bd/?page_id=722/#
آخرین بازدید: بهمن ۹۸
- 6- <http://www.ru.ac.bd/persian/>
آخرین بازدید: بهمن ۹۸
- 7- http://103.79.117.242/ru_profile/public/teacher/257/profiles
آخرین بازدید: بهمن ۹۸
- 8- <http://www.ru.ac.bd/>
- 9- https://commons.wikimedia.org/wiki/File:Main_gate_of_university_of_rajshahi.jpg
- 10- https://commons.wikimedia.org/wiki/File:First_Science_Building_University_of_Rajshahi.JPG
- 11- <http://gyaansarita.com/university-of-rajshahi-bangladesh/>

هم‌زمان با تأسیس اتاق ایران‌شناسی اولین دوره دانش‌افزایی استادان و دانشجویان زبان و ادبیات فارسی با حضور فرهاد درودگریان -استاد اعزامی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری- و الهام حدادی -استاد اعزامی بنیاد سعدی- از ۱۳۹۵/۱۱/۳ تا ۱۳۹۵/۱۱/۹ در این دانشگاه برگزار شد. در این دوره پنج روزه دانش‌افزایی، ده نفر از استادان زبان فارسی و سی نفر از دانشجویان ممتاز سال سوم کارشناسی تا دکتری شرکت کردند. برای هر گروه به تناسب نیازها برنامه آموزشی جداگانه‌ای طراحی و تدریس شد. این دوره در دو کلاس جداگانه ویژه استادان و دانشجویان برگزار شد و در مجموع هر گروه ۲۵ ساعت آموزش دید. در دوره دانش‌افزایی موضوعاتی چون نظم و نثر فارسی، دستور زبان فارسی، نقد ادبی، ادبیات معاصر و ادبیات انقلاب اسلامی، روش تحقیق و مقاله‌نویسی و شیوه‌های آموزش زبان فارسی تدریس گردید. به منظور تقویت مهارت‌های گفتاری و شنیداری برنامه نمایش فیلم نیز اجرا شد. (منبع ۱)

همچنین با مساعدت بنیاد سعدی در سال ۱۳۹۷، شماری از استادان زبان فارسی این دانشگاه در دوره دانش‌افزایی «مدرسان زبان فارسی» شرکت کردند. (منبع ۳)



آشنایی با رسانه‌های مجازی (۸)

آموزش درست‌نویسی در فضای مجازی متنوک

نکته: کروناویروس

در فارسی، به‌طور طبیعی و قاعده‌مند باید بگوییم «ویروس کرونا». اما چرا گاهی برخی می‌گویند و می‌نویسند «کروناویروس» (گرچه تلفظ کاملاً انگلیسی‌اش /کروناوایرس/ است)؟ چند پاسخ می‌توان به این پرسش داد، از جمله:

(۱) از نظر علمی، گاهی برخی افراد، به‌ویژه متخصصان، به دلیل آن‌سی که با اصطلاحات علمی دارند، آن‌ها را به همان صورت تلفظ می‌کنند و می‌نویسند. این تقریباً در میان متخصصان هر فن، خصوصاً پزشکان، متداول است و بنابراین ممکن است تلفظ آنان بین مردم نیز رواج یابد.

(۲) از نظر فرهنگی، برخی علاقه شدیدی به استعمال واژه‌ها و تعبیر فرهنگی دارند و حتی می‌کوشند معادل فرهنگی واژه‌ها را بیشتر به کار ببرند، چون گمان می‌کنند این کار موجب تشخیص‌شان می‌شود و لابد آن‌ها را کارشناس و متفاوت‌تر جلوه می‌دهد.

(۳) از نظر آوایی، /کروناویروس/ از /ویروس کرونا/ یک هجا کمتر دارد (کروناویروس: ۵ هجا؛ ویروس کرونا: ۶ هجا). همچنین «کروناویروس» یک تکیه اصلی دارد، اما تکیه هریک از اجزای ترکیب «ویروس کرونا» مستقل است. پس تلفظ /کروناویروس/ راحت‌تر است و بر اساس اصل کم‌کوشی زبانی، طبیعی است که برخی به آن گرایش بیابند. باین‌همه، بهتر و فارسی‌تر است که بنویسیم «ویروس کرونا»، چنان‌که غالباً به همین صورت می‌نویسند و تلفظ می‌کنند.

نکته: جزء یا جزو؟

در فارسی امروز، «جزء» و «جزو» معمولاً دو کاربرد متفاوت دارند و همیشه نمی‌توان یکی را جای دیگری به کار برد. تفاوت این دو را می‌توان از این مثال‌ها به‌خوبی دریافت: ایران جزو (= یکی از) کشورهای آسیایی است. قلب جزء (= بخش) حیاتی بدن است. جزء (= قسمت) ناشناخته ویروس ایدز کشف شد. نظارت جزو (= از) وظایف مدیر است.

فرناز صادقی^۱

متنوک (مرکز تخصصی نگارش و ویرایش کتاب)

مدیر: سید محمد بصام

سال تأسیس: ۱۳۹۴

تعداد کاربران: ۴۶۰۰

تعداد فرسته‌ها: ۲۰۰

انگیزه و هدف تأسیس: آموزش و ویرایش و درست‌نویسی در قالب کارگاه‌های آنلاین

نشانی: _____

تلگرام:

https://t.me/Matnook_com

اینستاگرام:

[instagram.com/matnook_com](https://www.instagram.com/matnook_com)

وبگاه:

matnook.com

ارتباط با ادمین: @MatnookAdmin - @MatnookAdmin2

چند فرسته

نکته: اگر حرف اضافه نقش دستوری مستقل داشته باشد، بافاصله نوشته می‌شود: با حوصله و دقت درس بخوان. از آنجا که آمدیم، خوابیدم. به چه می‌اندیشی؟ بی تو چه کنم؟ او به‌عنوان سرهنگی رسید. اما اگر حرف اضافه همراه اسم مابعدش صفت، قید، یا اسم بسازد، بی‌فاصله نوشته می‌شود: باشعور، بامرام، بااصل و نسب، بی دلیل، بی سرپناه، بی کس و کار، به‌علاوه، به‌جا، به‌موقع، درجا، ...

۱ هیئت علمی فرهنگستان زبان و ادب فارسی، گروه آموزش زبان و ادبیات فارسی

یا تفضیلی، پسوند «تر» است که به آخر صفت ساده افزوده می‌شود [این در حالی است که] در صفت برترین یک چیز با چیزهای دیگر (یعنی یک نمونه با انواع خود) سنجیده می‌شود [...] نشانه صفت «برترین» یا «عالی» پسوند «ترین» است. این نشانه همواره به آخر صفت ساده افزوده می‌شود. (فارسی پایه نهم، ۱۳۹۸، ص ۳۳-۳۴)

در ادامه این مبحث مؤلفان برای اینکه نکات زبانی این درس را با نکات زبانی کتاب فارسی پایه هشتم پیوند دهند، به جایگاه صفات سنجشی در گروه اسمی پرداخته‌اند و صفت برتر (تفضیلی) را وابسته پسین اسم و صفت برترین (عالی) را وابسته پیشین اسم دانسته‌اند، اما به این نکته توجه نکرده‌اند که خود وابسته‌ها وقتی به تنهایی در گروه اسمی به کار روند، دیگر وابسته محسوب نمی‌شوند و هسته به شمار می‌آیند؛ به همین دلیل در مثالی که در نکات زبانی همین درس برای صفت برتر در جایگاه وابسته پسین اسم آورده‌اند، این‌گونه دچار لغزش و اشتباه شده‌اند:

صفت برتر وابسته پسین اسم است مانند: هوای تبریز خنک‌تر از هوای یزد است. (فارسی پایه نهم، ۱۳۹۸: ۳۳)

چنانچه از مثال بالا برمی‌آید مؤلفان کتاب به این نکته توجه نکرده‌اند که پیش از اینکه به سراغ یافتن هسته و وابسته برویم، باید گروه‌های اسمی و نقش هرکدام را در جمله تعیین کنیم. این عزیزان به این نکته دقت نکرده‌اند که «هوای تبریز» یک گروه اسمی مجزاست که جایگاه نهادی جمله را پر کرده است و «خنک‌تر» نیز یک گروه اسمی مستقل دیگر است که در جمله نقش مسند را دارد و هیچ ارتباطی از منظر هسته و وابسته بین این دو گروه اسمی مجزا و مستقل نیست. این نقص و ندانم‌کاری در کل نکات زبانی کتاب فارسی پایه هشتم نیز که در حوزه گروه اسمی، هسته و انواع وابسته‌هاست مشهود است. امیدواریم که مؤلفان محترم کتاب‌های فارسی در اصلاحاتی که در سال‌های آینده در این کتاب‌ها اعمال خواهند کرد، این نکته بسیار ساده را بگنجانند که هرگاه وابسته‌ها به تنهایی در گروه اسمی بیایند، دیگر وابسته نیستند و خود هسته محسوب می‌شوند.

منبع

- فارسی پایه نهم دوره اول متوسطه (۱۳۹۸). سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش. چاپ پنجم. تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران. مؤلفان: حسین قاسم‌پور مقدم، فریدون اکبری شلدره، علیرضا چنگیزی، محمدرضا سنگری و عباسعلی وفایی.



آموزش غلط تشخیص هسته و وابسته در کتاب‌های فارسی دوره اول متوسطه

دکتر محسن احمدوندی^۱

کامبدها و کاستی‌های کتاب‌های درسی فارسی آن‌قدر زیاد است که نمی‌توان در یکی دو یادداشت همه آن‌ها را برشمرد. نگارنده پیش‌ازاین در چندین یادداشت در شماره‌های پیشین خبرنامه گروه آموزش زبان و ادبیات فارسی فرهنگستان به نقد برخی جعلیات راه‌یافته به کتاب‌های فارسی دوره اول متوسطه و همچنین ایرادها و اشکالات رسم‌الخط این کتاب‌ها پرداخته است، اما ضعف کتاب‌های فارسی به این‌ها محدود نمی‌شود. متأسفانه این کتاب‌ها در بیان نکات زبانی و ادبی نیز دچار اشکالاتی هستند. وقتی نکات زبانی و ادبی کتاب‌های فارسی دوره اول متوسطه را بررسی می‌کنیم، متوجه می‌شویم مؤلفان یا نکات زبانی و ادبی را ناقص و نارسا و گاه حتی اشتباه بیان کرده‌اند و یا تمریناتی که برای یادگیری همان نکات زبانی و ادبی در کتاب گنجانده‌اند، نامتناسب با چیزی است که خودشان در کتاب آموزش داده‌اند. در ادامه برای نمونه یکی از نکات زبانی کتاب فارسی پایه نهم را از این منظر نقد و بررسی می‌کنیم.

نکته زبانی درس چهارم فارسی پایه نهم درباره صفات سنجشی یعنی صفت برتر (تفضیلی) و صفت برترین (عالی) است. مؤلفان کتاب ابتدا ساختار و موارد کاربرد این دو صفت را این‌گونه توضیح داده‌اند:

هرگاه بخواهیم دو چیز را با هم بسنجیم و یکی را بر دیگری برتری بدهیم، از صفت برتر یا تفضیلی بهره می‌گیریم [...] نشانه صفت برتر

^۱ دبیر زبان و ادبیات فارسی دوره اول متوسطه استان کرمانشاه



مباحث آموزشی (۱۰) ویروس کرونا زمینه‌ای برای استفاده از فناوری‌های نوین (آموزش برخط و تلویزیون‌های هوشمند) در امر آموزش زبان و ادبیات فارسی

گیتی قریب^۱

به نظر می‌رسد ویروس کرونا با تمام مشکلاتی که برای مردم جهان داشته، اما به نیرویی تغییردهنده در سبک زندگی آن‌ها بدل شده است. چندین دهه است که لزوم استفاده از فناوری‌های نوین به‌خصوص در امر آموزش به زبان‌ها و روش‌های گوناگون توصیه، اما به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه کمتر به این مهم توجه شده است. امروز برای جلوگیری از انتقال این ویروس فرصت مناسبی ایجاد شده است تا از امکان بالقوه فناوری‌های نوین به بهترین نحو استفاده شود. یکی از مزایای این امر می‌تواند ایجاد فرصت برابر آموزشی باشد.

آموزش برخط از طریق اینترنت و در کلاس‌های مجازی یکی از روش‌های بهره‌مندی از این فناوری‌هاست که امکان آموزش را نه تنها برای دانش‌آموزان و دانشجویان بلکه برای هرکسی که مایل به فراگرفتن آن آموزش باشد فراهم می‌کند و این به معنای ایجاد فرصت برابر آموزشی است. البته استفاده از این فناوری‌ها مستلزم فراهم کردن زیرساخت‌هایی است که شاید امکان آن هنوز برای خیلی از کشورها فراهم نباشد، اما به‌طورقطع ایجاد این زیرساخت‌ها به مراتب هزینه کمتری برای آموزش و پرورش این کشورها در مقایسه با آموزش حضوری خواهد داشت. در این روش آموزشی برای هر درس می‌توان تنها با استفاده از یک معلم مخاطبان بسیاری را تحت پوشش قرار داد و بر مشکل کمبود معلمان شایسته به‌ویژه برای مراکز کمتربرخوردار غلبه کرد. می‌توان امکان تعامل متقابل را برای همه شرکت‌کنندگان فراهم کرد. از مزایای دیگر این نوع آموزش دستیابی به عملکرد آموزشی با کیفیت بالا است چراکه امکان استفاده از تمام اطلاعات موجود در شبکه برای هر درس فراهم است. افزون بر این تمام مراکز آموزشی اعم از مدارس و دانشگاه‌ها در هر کشور و در هر منطقه از جهان می‌توانند هم‌زمان با یکدیگر در ارتباط باشند و تبادل اطلاعات کنند. معلمان از متکلم وحده بودن به تحلیل‌گران و مشاورانی تبدیل می‌شوند که می‌توانند به مخاطبان خود در زمینه یادگیری، جمع‌آوری، ارزیابی، تحلیل و ترکیب اطلاعات کمک کنند. در این نوع از آموزش هر اقلیت نژادی و قومی با هر زبان و فرهنگی در هر جای جهان می‌تواند از نعمت آموزش بهره‌مند گردد. حتی برای غلبه بر شکاف آموزشی با استفاده از راهبردهای

جدید می‌توان گروه‌های آموزشی با نیازهای ویژه و دشوار را دسته‌بندی کرد و تحت آموزش یکسان قرار داد.

تلویزیون‌های هوشمند^۲ نوع دیگری از فناوری‌های نوین هستند که می‌توانند در اختیار آموزش از راه دور قرار گیرند. تلویزیون رسانه‌ای تعاملی و یک‌طرفه است. برنامه‌سازها برنامه‌هایی را می‌سازند و در اختیار بیننده‌ها قرار می‌دهند و آن‌ها مجبور هستند که یا این برنامه‌ها را ببینند یا تلویزیون خود را خاموش کنند. آموزش از طریق تلویزیون هوشمند یا تلویزیون متصل این امکان را برای مخاطبان فراهم می‌کند تا با داشتن امکان انتخاب، از میان گزینه‌های گوناگون زمان و محتوای برنامه موردنظر خود را انتخاب کنند. چنین برنامه‌ها می‌تواند بر اساس بازخورد مخاطبان صورت گیرد.

از امکانات این نوع تلویزیون‌ها می‌توان به بهترین نحو در زمینه آموزش استفاده کرد. تلویزیون هوشمند یا متصل را می‌توان به ویدئوکلپ تشبیه کرد. مخاطب هر زمان که بخواهد می‌تواند فیلم آموزشی هر درس یا مبحث را با هر معلم انتخاب و مشاهده کند و هر وقت بخواهد آن را متوقف، به عقب یا به جلو ببرد و دیگر نگران از دست دادن برنامه در ساعت مشخص نباشد.

در تلویزیون متصل می‌توان یک شبکه اجتماعی ساخت که اعضای آن دانش‌آموزان کلاس باشند. در این سیستم معلم می‌تواند برنامه‌های آموزشی را به اشتراک بگذارد و به‌طور مثال هرکجای برنامه در حال پخش که خواست سؤالی را از دانش‌آموزان خود بپرسد و جواب آن‌ها را مشاهده کند. دانش‌آموزان نیز می‌توانند محتویات تحقیقی و آموزشی خود را با دانش‌آموزان دیگر به اشتراک بگذارند.

در این نوع از تلویزیون‌ها با استفاده از صفحه‌کلید و درگاه USB می‌توان به نوشتن در هر جای تصویر که لازم باشد پرداخت. بهتر است برای رعایت فاصله استاندارد از صفحه‌کلید بدون سیم استفاده شود.

محتوای آموزشی در تلویزیون‌های هوشمند یا متصل اعم از فیلم، صدا و

² <https://www.tomsguide.com/us/smart-tv-faq,review-2111.html>

^۱ فرهنگستان زبان و ادب فارسی، گروه آموزش زبان و ادبیات فارسی

معلم اشتباه هر کدام از دانش‌آموزان را بگوید تا دیگر دانش‌آموزان بشنوند و اشتباه او را تکرار نکنند. در این روش کلاس به صورت زنجیره‌ای اداره می‌شود. معلم بر اساس علاقه و استعداد هر دانش‌آموز می‌تواند مطالب یادگیری را فردی‌تر کند. معلم با درخواست تکلیف و به‌کارگیری قلم و کاغذ می‌تواند تقویت نوشتاری دانش‌آموزان را بررسی و با آموزش برخط به اشتباه‌های آن‌ها اشاره و به غنی‌تر شدن آموزش کمک کند.

در کلاس‌های بالاتر و دروس تخصصی‌تر ادبیات، معلم می‌تواند با ارائه فیلم‌های آموزشی از استادان حاذق در هر مبحث دانش‌آموز را به هدف آموزشی نزدیک کند و دانش‌آموز نیز در هر ساعت و با هر بار تکرار مطلب بتواند به درک لازم برسد. همچنین با راهنمایی معلم دانش‌آموز با کندوکاو در محیط وب پاسخ پرسش‌ها را بیابد و آزادانه به تولید دانش پردازد و به سمت هدف آموزشی سوق داده شود.

معلمان در هر پایه تحصیلی روش‌های سنجش را نیز می‌توانند برحسب علاقه دانش‌آموزان به صورت برخط یا پژوهش‌محور انجام دهند تا دانش‌آموزان برای نشان دادن مهارت‌های خود کاملاً به صورت فردی روش سنجش را انتخاب کنند.

با توجه به اینکه درس زبان و ادبیات فارسی می‌تواند پایه آموزش برای دیگر دروس هم باشد در روش آموزش برخط دانش‌آموزان با هر سلیقه و هر استعدادی حق انتخاب دارند تا بخشی از ساعت درسی خود را در کلاس ادبیات بگذرانند و به تقویت چهار مهارت زبانی پردازد و ساعتی بعد در کلاس‌های دیگری به آموزش در رشته مورد علاقه خود پردازند. حتی کسب مهارت‌های زبانی و ادبی می‌تواند به صورت مجزا هم صورت پذیرد.

در این روش از آموزش، حتی برای بزرگسالانی که به دلایل گوناگون از آموزش بازمانده‌اند در هر ساعت امکان آموزش مهارت‌های زبانی و ادبی فراهم می‌شود.

منابع آموزشی و تحقیقاتی کمیاب زبانی و ادبی برای تعداد نامحدودی قابل‌دسترس و بدون آمدوشد در هر ساعت و هر مکان قابل‌استفاده است. معلمان برای اینکه اطلاعات خود را روزآمد کنند نیازی به آمدوشد و شرکت در کلاس‌های ضمن خدمت نخواهند داشت و هر ساعت از شبانه‌روز و ایام تعطیل و آخر هفته می‌توانند به این امر مبادرت ورزند.

در دهه‌های بعد به احتمال قریب به یقین دولت‌ها به دلایل گوناگون، مانند کسری بودجه و جز این‌ها قادر به تأمین هزینه‌های آموزشی به شکل فعلی نیستند. انتشار ویروس کرونا لزوم استفاده از فناوری‌های نوین در امر آموزش مجازی را بیش‌ازپیش نشان داد. در آینده با فراهم شدن هرچه بهتر زیرساخت‌ها برای استفاده از این فناوری‌ها، آموزش شکل دیگری به خود می‌گیرد و مسیر هموارتری را می‌پیماید.

تصویر آموزشی و سخنرانی‌های آموزشی با نظارت صداوسیما و وزارت ارشاد قابل تولید است. آموزش عالی و آموزش و پرورش می‌توانند محتوا را تولید کنند و با اخذ مجوز در اختیار دانش‌آموزان و دانشجویان خود قرار دهند.

هم‌اکنون بیشتر تلویزیون‌های موجود در بازار هوشمند هستند و به راحتی به شبکه وای‌فای یا ADSL وصل می‌شوند. در اینجا ذکر این نکته که اتصال به ADSL به معنای استفاده از اینترنت نیست ضروری است. از این طریق از ترافیک حجمی اینترنت خانگی افراد برای دسترسی به این نوع از برنامه‌های تلویزیونی، استفاده نمی‌شود. البته این خدمات از طریق تلفن همراه و رایانک و همچنین رایانه‌های خانگی نیز در دسترس خواهد بود.

با استفاده از تلویزیون‌های هوشمند در امر آموزش، حتی خانواده‌های کم‌درآمد می‌توانند با خرید یک تلویزیون نیاز تمام اعضای خانواده را برای آموزش در هر ساعت از شبانه‌روز تأمین کنند.

استفاده از این فناوری‌ها در آموزش زبان و ادبیات فارسی

از این فناوری‌ها می‌توان به بهترین وجه در آموزش زبان و ادبیات فارسی نیز بهره برد. حضور دانش‌آموز و دانشجویان غیر هم‌سطح در کلاس همواره دغدغه معلمان و استاد‌های ادبیات بوده است. زیرا زمانی که برنامه آموزش با توجه به سطح متوسط کلاس اجرا شود، دانش‌آموزان با سطح هوشی بالاتر دچار نوعی رکود می‌شوند. البته این نکته تنها در خصوص آموزش زبان و ادبیات فارسی صدق نمی‌کند بلکه در خصوص همه شاخه‌های آموزشی صادق است. با استفاده از این فناوری‌ها می‌توان برنامه آموزشی را با توجه به سطح دانش‌آموزان یا دانشجویان طراحی کرد. از طریق فردی کردن تدریس در فضای مجازی آموزش به شیوه‌ای پیشرفته‌تر و مؤثرتر و بر اساس میزان تلاش و استعداد هر دانش‌آموز و با تکرار دلخواه انجام می‌شود. تمام دانش‌آموزان مطالب یکسانی را می‌آموزند، اما برای رسیدن به هدف مشابه روش‌های متفاوتی را پیش می‌گیرند و آموزش به صورت دانش‌آموز‌محور انجام می‌شود. برای نمونه دانش‌آموزی که در مهارت خواندن نیاز به راهنمایی بیشتر دارد توسط معلم منابع و اطلاعات بیشتری را دریافت می‌کند و زمان بیشتری را برای آموزش خواندن اختصاص می‌دهد، به سخن دیگر ساعت درسی به گونه‌ای برنامه‌ریزی می‌شود که نیازهای هر دانش‌آموز را به‌طور مجزا برطرف کند. معلم با ارزیابی منظم و تشخیصی، از مهارت‌های دانش‌آموز مطلع می‌شود و می‌تواند آموزش ویژه‌ای را به کرات در طول دوره آموزشی برای دانش‌آموز تنظیم کند تا به هدف آموزشی برسد. معلم می‌تواند با توجه به اشتباه‌های دانش‌آموزان آن‌ها را به گروه‌هایی تقسیم کند و بر اساس نیازهای آن‌ها کلاس را با روش طوفان مغزی هدایت کند. وی می‌تواند کلاس را به شکل گروهی هم اداره کند و دانش‌آموزان با نحوه کار یکدیگر آشنا بشوند.

برگزاری مسابقه برابری برای کرونا در مدارس تبریز^۱

به تازگی از سوی انجمن علمی ادبیات فارسی استان آذربایجان شرقی با همکاری گروه‌های درسی، بین دبیران و دانش‌آموزان، برای واژه‌سازی کرونا مسابقه‌ای برگزار و واژه‌های پیشنهادی همکاران از سراسر کشور دریافت شد. از بین ۲۵۰ واژه پیشنهادی دریافت‌شده از سوی دبیران سراسر کشور به ده نفر که مناسب‌ترین واژه را پیشنهاد دادند جایزه‌ای تعلق گرفت.

اسامی برندگان به شرح زیر اعلام می‌گردد:

واژه پیشنهادی	نام معلم	استان/شهرستان
نسو	ژولیا خانی	تهران
ریه خوار	ثریا عبدالعلی پور	مرند
نحسک	علیلو	تبریز
کوچین	مرتضی علی اصغری	مرند
چینفولانزا	طاهره سلیمانی	اراک
ریآزار	حسین عمیدی	آذربایجان شرقی / هریس
خفگلو	صبا گلیر	مراغه
خفاشک	مرضیه ذاکری	تبریز
ریشکر	ستار پیری	تبریز
کوفت ۱۹	یعقوب کیانی شاهوندی	خوزستان / ایذه

واژه انتخابی	توضیح داده شده
مش قلبی	
غول میکرومتری	
سرفا	
سجیل	
سریع و خشن	
کورانه	
آنورک	
تاج سرکش	
چینفلانزا	
ازونا	
واتاچ	ویروس آورده شده توسط آخوند چینی
تب تن سُر	
خفنه	
نکبت	
تاجسان	
تفسون قرن	
کرنا نواز قرن	
خفاشک	
جهان ویروس	
سجا	
سرووچ	سرمایه‌داری ره‌آورد چین
زنگ هشیار و بیداری	
بکش دررو	
کرنا	
دورک	
مغمون	
میکروچینی	
کره مرگبار	
ناضمیر شب‌پره	
غرونا	همه ز استرس نگران هستند و شروع به غر زدن می‌کنند
تعطیل کن لعنتی	
بدزی بخش شونده ریز	
گرد خفاش	
هاله	
تاج‌دار	
بختاج	
ذاته الیه قرن ۱۲	
غول	
تندر	
تاج	
چینی شکننده	
کوفت ۲۱	
انورک	برای تحقیر این کلمه را از آخر بخوانید
افزونا	هم فارسی است هم معنا دار و هم هم‌آوا با کرونا
تاج‌دار مهلک	
تاجواره	
سرماتاج	چون رشد و فعالیت این ویروس در سرما است. طنزی هم نهفته دارد. تاج سرما است. به استعاره تحکیمیه.
پرنج	
نحسک	
تاج	
کروزایلا	
مهندس رهاشده مرگ	
خفگلو	مخفف خفاش، خفگی و به نوعی گلو هم هست

واژه انتخابی	توضیح داده شده
نفس کش	البته در کلمه کش با کسره و با ضمه دو معنی ایهامی دارد
تاج‌دار	
نفس‌گیر	
تب چینی	
تاجک کشنده	
چندش	چ: بیماری‌ای که از چین منتقل شده. چندش: به دلیل انتقال از طریق دهان، دست و چشم و سرعت رشد و سرعت انتقال و...
جیروس	
زنگوله	
هشدار	
طاعون	
آیت‌الله شیرازی	
تاجک	
چینانه	
جیران	
شطرنجی	یعنی تو خانه هم اسم نحس این ویروس را نمی‌آورم. زبانم استرس می‌گیرد. هم اینکه دیدید در تلویزیون چهره‌های افراد خلاف‌کار و منحوس را شطرنجی می‌گذارند.
ساوت	

۱ مبتکران این کار آقایان محمدعلی سلیمانی دبیر انجمن زبان و ادبیات فارسی تبریز و احمد رمضان زاده

واژه انتخابی	توضیح داده شده
خودنمای	
عقدہ‌ای	
گوشه تلخ	
جسور	
سرماخوردگی	
چینی	
فلج بزرگ	
چینی	
ریه چین	هم از چین آمده و هم ریه‌ها را درگیر می‌کند و می‌چیند و نابود می‌کند
ریشه برکن	
خفاشانه	
جسبونک	
شیطونک	
تاج فروش	
ویش تاج	
ریشکر	ریه + شکر (شکر کردن، شکار کردن) چون این ویروس ریه طعمه رو هدف قرار می‌دهد
ویرانا	
نسو	نسو بر پایه مزدیسنا نام دیوی است که برتن مرده می‌تازد و آن را ناپاک می‌کند این دیو هنگامی که در تن کسی حلول می‌کند آن فرد می‌مرد دروخش ناپاک و نجس و خطرناک‌ترین دیوها بود. به همین جهت به همان اندازه‌ای که این دیو ناپاک و نجس و خطرناک بود آن لاشه و مرده نیز نجس و خطرناک محسوب می‌شد و هرکس از سه قدمی به مرده‌ای نزدیک‌تر می‌شد ناپاک شده و لازم بود مراسم دیوزدایی و پرشنوم که غسل مس میت بود درباره‌اش انجام شود تا پاک شود
بداختر / بدیمین	
تاج خورشیدی	
نفس گیر قرن	
سراب	
سقلمه	
ییس بوغان	
ویروس شاه	
تاج بخش / تاجور	
چین آور	
تاج سمی	
آراز چه	
ریز جنگ	
کوزنای / کزنای	کور کرد ما را / کر کرد ما را
تاج ویروس	
کروناز	
مغرور کشنده	
تاج مرگ	
تیر خلاص	
کار اونا	
نگیر و نمیر	
ویروس بنفش	
ناناز وحشی	
داداش قلدره	
سرماخوردگی	
قیرنا	
ریزگذر	
تخس نجس / نجس	

واژه انتخابی	توضیح داده شده
آنفلونزای x8T vCk 1212	
سالوس	
افسر افسار	
عجوز مجوز	
خوفیروس	
خفاش خون اشام	
حلقه زنجیر	
تاج	
انورک	
کرونا وحشت	
قم غمانه	
دشمنک	
ناتو	به معنی شیطان و ناقلا است. در زبان مهدیشهر سمنان کاربرد دارد
کوجولوی چسبنده	
مخرب و خرابکار	
صور حبس	
برونا	بیرون آمدن از جایی می‌تواند باشد از درون جسم مثل ریه‌ها از درون بدن مثل روح
افسر	
ویروس سلطان	
چندیا	
ریز قاتل	
لامذهب	
ریز زامبی	
توفیق اجباری	
خوفنا	
خورانا	مثل خوره به جان آدم می‌افتد
دیوک	
ریز غول	
کلید روحانی واقماً	
ناکارآمد است (کرونا)	
مهاجم ۲۱	
عزرائیل چینی	
شبح	
پرادونا =	
پراید بدجنس	
کوچنده (کوچ کننده)	
هشدرک	چون خیلی مسائل و حقیقت‌ها را برای ما معلوم کرد
بهداشتیاری رحم	
تاج	
فوتینا	
ناخجسته	
بمخا	بیماری مشترک خفاش و انسان
پُر تاج	
ویروس هاله‌ای	
ویروس تنفس	
کرانه	چون باید کناره گرفت کرانه‌ای دور از دیگران از طرفی همه کرانه‌های جهان را گرفته است
بینا اینا	چون کورانا بار منفی دارد و به دور اشاره می‌کند و چین دور بود استفاده می‌شد. اکنون چون نزدیک می‌شد اینا و به جای کور که منفی است بینا

واژه انتخابی	توضیح داده شده
دیو سفید	
ناروزن کر	
دُش وِروس	ویروس پلید
ریازار	آزار رساننده ریه
ویروس حلق و نای آزار	
زشت و زیبا	
ویروس ریه خور زمین	
گلوبول سفید برای زمین	
ذره آگاهی بخش	
قاتل نامرئی	
ویروس چینی	
متناقض نما	
تاجینه	
ویرانا	
کارساز	
سرکش	
دستاورد	
تاج سان مخوف	
قاتل هسته‌ای چینی قرن ۱۲	
میکا	نوعی سنگ سیاه
تاج سری	
نفس (سروازه)	نظافت / فاصله / سلامت
چموش نامرئی	
قیرنا	
امتحان الهی	
یاد خدا	
مهمان ناخوانده	

واژه انتخابی	توضیح داده شده
ریه خوار	
تاگه	شکل پهلوی تاج است
مرگ سفید	
پنومنی ۱۲۱۲	
سوغات مرگبار چین	
نفس گیر	
اضطراری	
زورونا	
نکبت	
خرمن کوب	
شعله آتش	
عدالت خواه	
ویروس چینی	
چربینه	
گیرا گیر ۱۸	
کرنجل	
میرانا	
کوچین	مخفف کرونا و چین
قاتل نامرئی	
بدشگون	
هاله مرگ	
فرامرز	
یدالله	
مریبه بهداشت من	
ویروس اژدهای قرمز	
تاجو	و تحقیر
تلنگر	
تاج وِروس	

رویدادهای ادبی

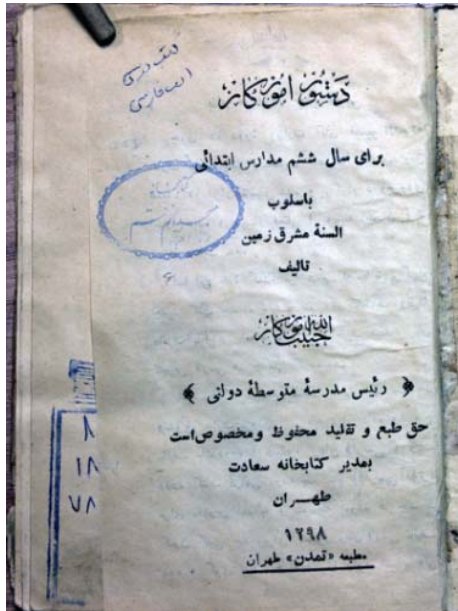
رویدادهای ادبی

روزشمار رویدادهای ادبی اسفند ۱۳۹۸

فاطمه نیک خواه^۱

مناسبت‌ها	روزهای هفته / هجری شمسی
نشست «علامه طباطبائی و علوم انسانی در ایران» - سخنران: حمید پارسانیا - پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی http://www.ihs.ac.ir/fa/news/19241/ - گزارش سخنرانی - علامه - طباطبائی - و - علوم - انسانی - در - ایران	پنجشنبه ۱ اسفند
نشست نقد و بررسی کتاب «هنر، خیال، زیبایی» - سخنران: علی اصغر محمدخانی، مریم جعفری و مصطفی ملکیان - مرکز فرهنگی شهر کتاب http://www.bookcity.org/detail/20473/root/meetings	شنبه ۳ "

^۱ دانشجوی رشته زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه تهران



محدثه طاهری^۱

معرفی کتاب درسی - دستور آموزگار برای سال ششم ابتدایی (۱۳۹۸ش)

عنوان کتاب	دستور آموزگار
موضوع	آموزش دستور زبان فارسی
نام مؤلفان	حبیب‌الله آموزگار (تولد ۱۲۶۹ش، اصطهبانات فارس-وفات ۱۳۵۹ش، تهران)
نام تصویرگر	-
نام خطاط	-
سال تألیف	۱۲۹۸ش
پایه، مقطع، رشته	ششم، دبستان
ناشر و مشخصات چاپ	تهران، مطبعه تمدن

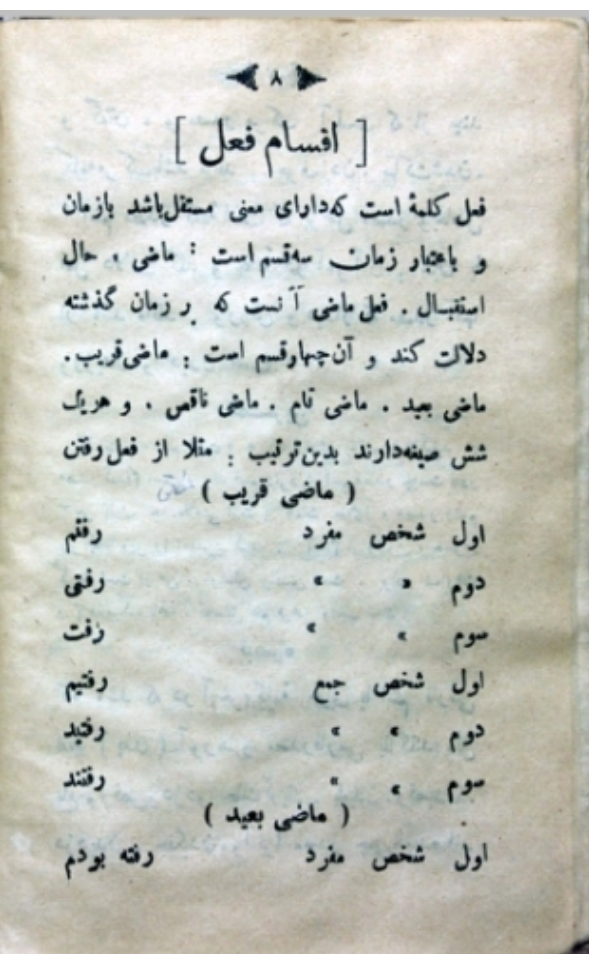
کتاب‌شناسی

حبیب‌الله آموزگار در سال ۱۲۹۸ ش کتاب دستور آموزگار را برای دانش‌آموزان ششم ابتدایی تألیف کرد. سرفصل‌های کتاب به توضیح مباحث دستوری مانند اقسام کلمات، مصدر و... می‌پردازد و سپس هریک از اقسام کلمات مانند فعل، اسم، قید، حرف و... را به تفصیل و با ذکر اقسام هر مبحث شرح و توضیح می‌دهد؛ سپس از هر مبحث تمرینی را در همان صفحه طرح می‌کند. نویسنده قبلاً نیز چنین کتابی برای پایه‌های چهارم و پنجم تألیف کرده که در خبرنامه شماره ۶۶ معرفی شده است.^۲ از آنجایی که در کتاب پایه ۴ و ۵ ابتدایی عبارت «جلد اول» آمده است، به نظر می‌رسد باید کتاب پایه ششم را ادامه و جلد دوم آن محسوب کنیم. بیشتر مباحث دو کتاب مانند یکدیگرند اما در کتاب دستور آموزگار ششم ابتدایی به شرح فصل‌هایی مانند قید و ضمیر با تفصیل بیشتر پرداخته شده و در تمرین‌های کتاب از شعر شاعرانی مثل سعدی و ابوحنیفه اسکافی به‌عنوان تمرین استفاده شده است. این کتاب با برخی اصول و قواعد، نام‌ها و اصطلاحات دستور امروزی تفاوت‌هایی دارد به‌عنوان نمونه انواع فعل ماضی به چهار دسته ماضی قریب، ماضی بعید، ماضی تام و ماضی ناقص تقسیم شده است که ماضی قریب معادل ماضی ساده (رفتم)، ماضی تام معادل ماضی نقلی (رفته‌ام) و ماضی ناقص همان ماضی استمراری امروز است و این نمونه تغییراتی است که به‌مرور در تهیه و تدوین کتاب‌های آموزشی دستور ایجاد شده است. نسخه عکسی کتاب در وبگاه فرهنگستان زبان و ادب فارسی به نشانی زیر قابل دریافت است:

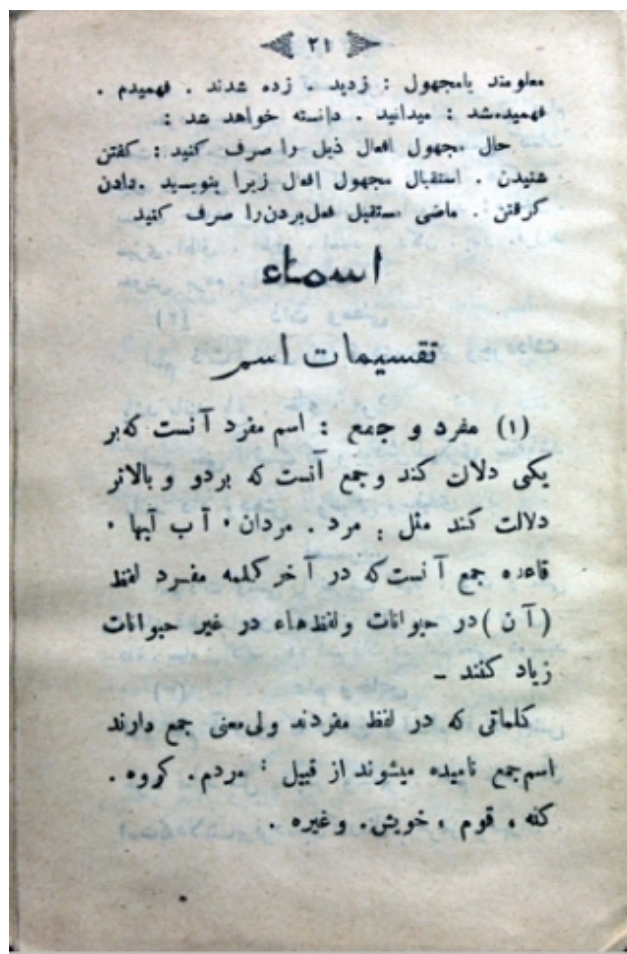
<https://apll.ir/wp-content/uploads/2019/07/MA-D-10-34.pdf>

ساختار کتاب

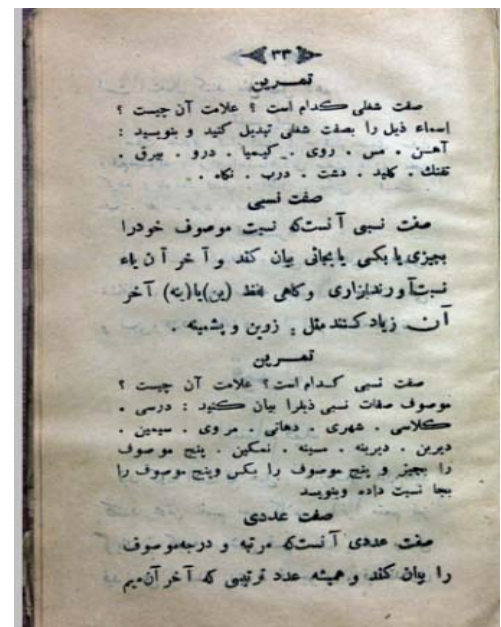
تعداد صفحه	۷۸ صفحه
متن کتاب	آموزش دستور زبان فارسی
تمرین	دارد
واژه‌نامه	ندارد
نمایه	ندارد
تصویر	ندارد
منابع	ندارد



صفحه ۸



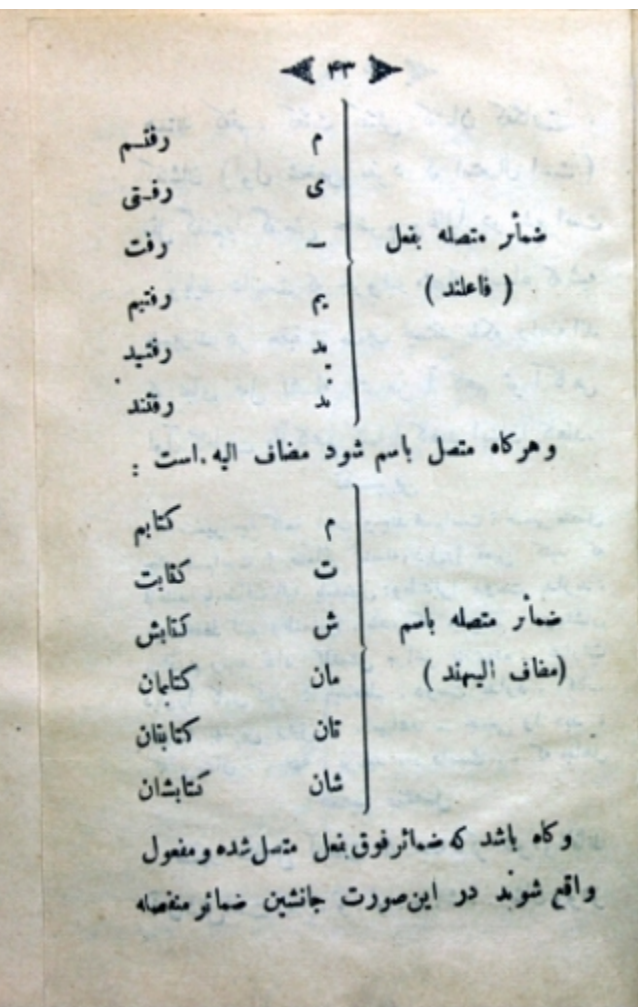
صفحه ۲۱



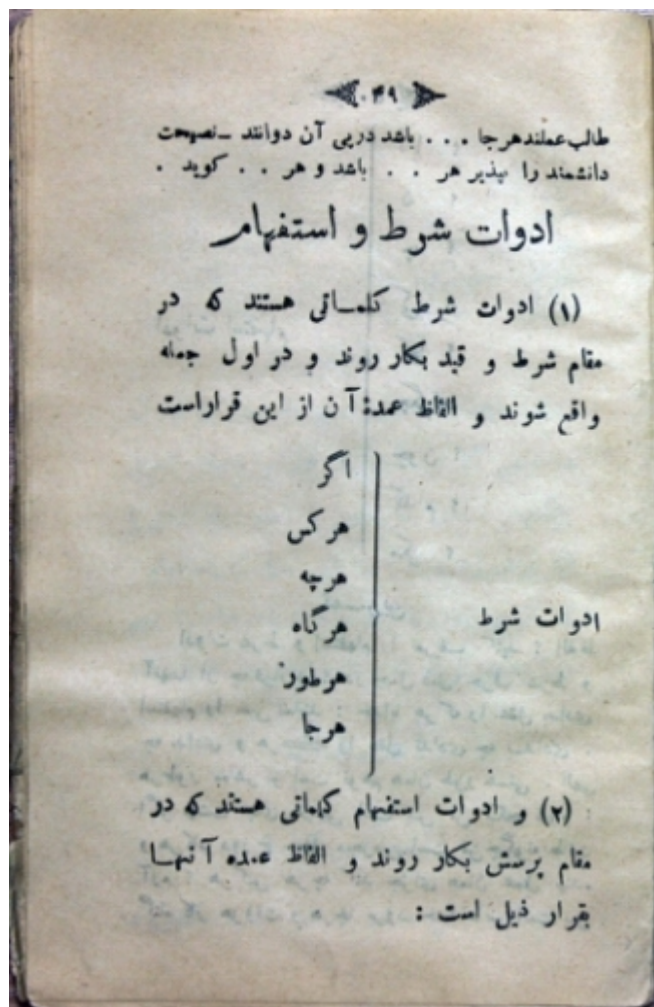
صفحه ۳۳

۱ دانشجوی رشته زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه تهران

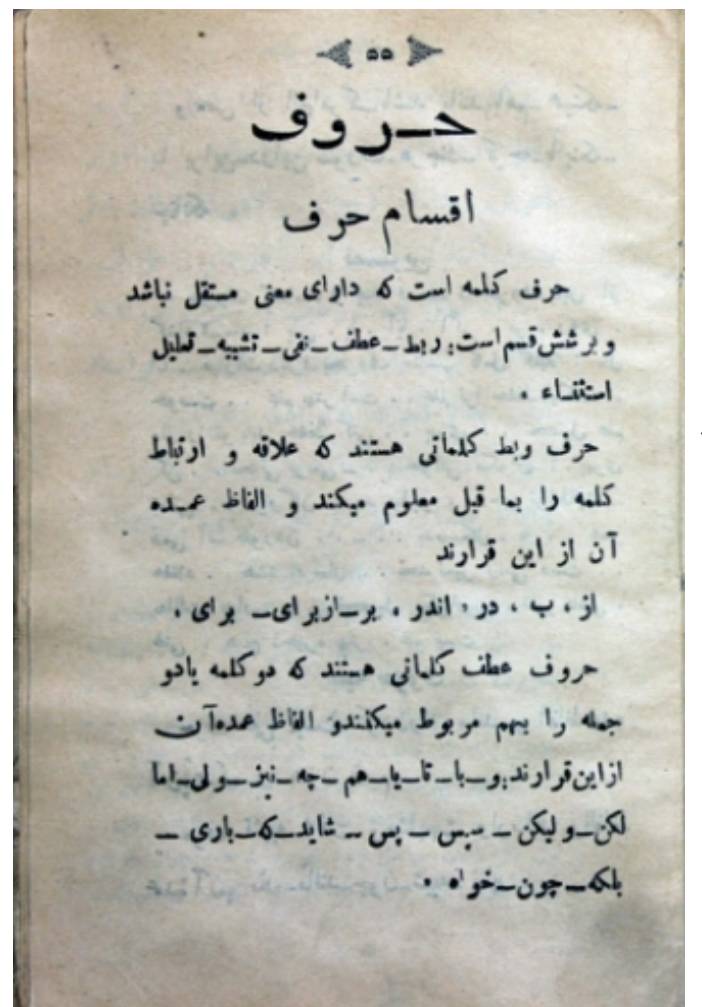
۲ کتاب دستور آموزگار برای سال چهارم و پنجم ابتدایی در سال ۱۲۹۹ش (معادل ۱۳۳۸ ق) چاپ شد. در خبرنامه شماره ۶۶، به‌اشتباه ۱۳۳۸ شمسی ذکر شده است که در اینجا تصحیح می‌شود.



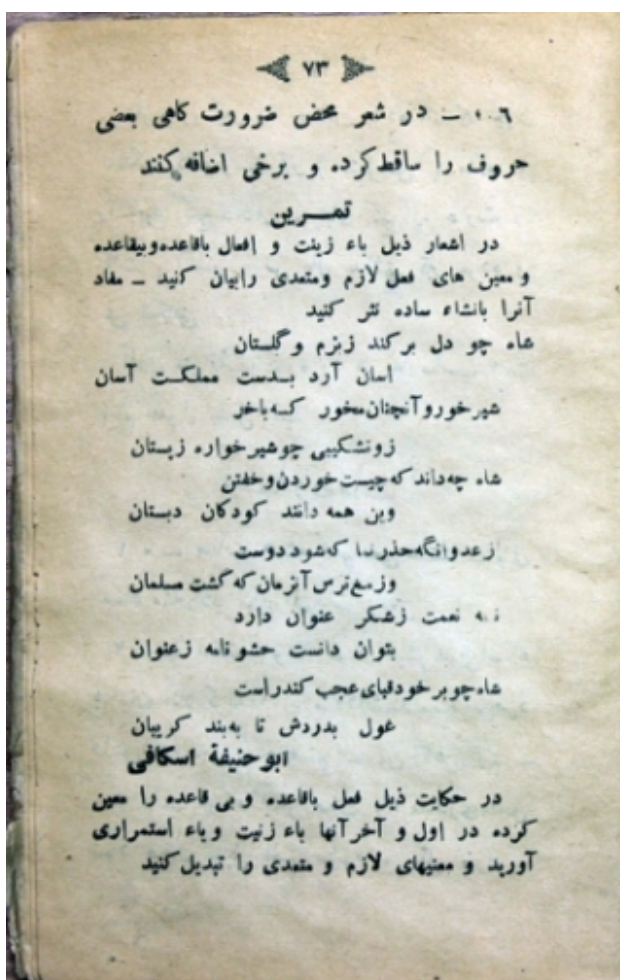
صفحه ۴۳



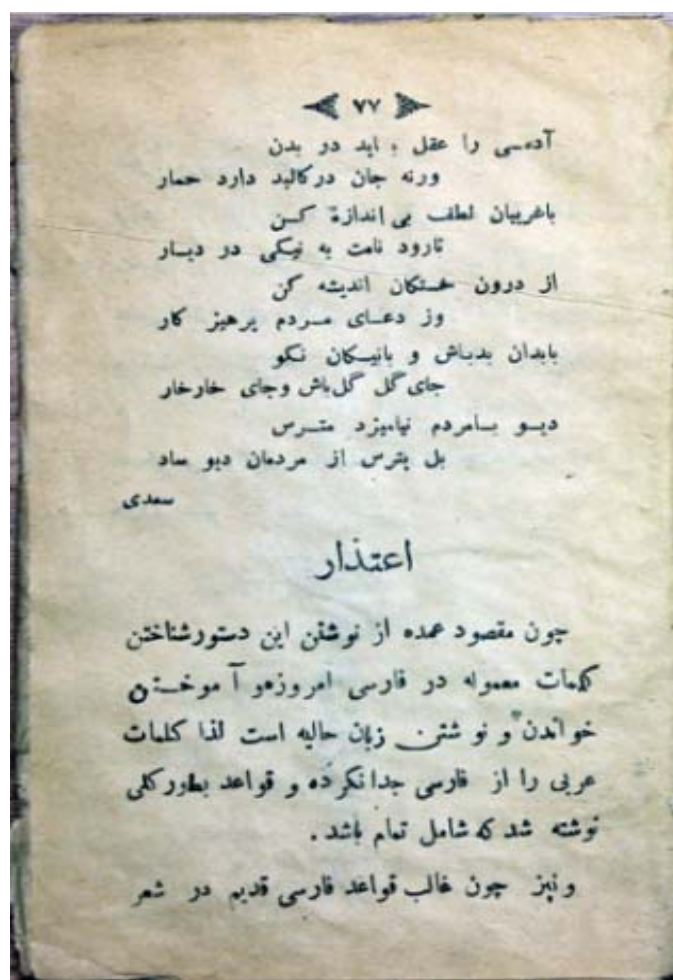
صفحه ۴۹



صفحه ۵۵



صفحه ۷۳



صفحه ۷۷

کتاب دستور آموزگار ۱۲۹۸ اش فهرست ندارد اما ترتیب کلی مباحث به صورت زیر است:

۱. اقسام فعل	۱۴. اقسام صوت
۲. انواع یا وجوه فعل	۱۵. اقسام حرف
۳. لازم و متعدی	۱۶. تجزیه و ترکیب
۴. معلوم و مجهول	
۵. تقسیمات اسم	
۶. اقسام صفت	
۷. اقسام قید	
۸. اقسام ظرف	
۹. اقسام کنایه	
۱۰. اقسام ضمیر	
۱۱. اقسام مبهمات	
۱۲. ادوات شرط و استفهام	
۱۳. اقسام عدد	

بهاران بهترین‌هاست

بهار آمد به این بستان، پی آن نم‌نم باران
مبارک باد این ایام، به بلبل‌ها به آن مستان
درختان را لباس نو، گیاهان را ببین بشکوه
به هر شاخه درخت و گل، قناری‌ها غزل‌خوانان
نه گرمایی نه سرمای، همه جا خرم و سبزی
تو این را دوستی، بین زمین و آسمان می‌دان
بهاران و نخستین روز، جشن باستان نوروز
کنار هم، به یاد هم، به شادی با دلی خندان
دعای سال تحویلش، به روی سفره هفت‌سینش
به آن عیدی به آن رنگی، به دیدار همه خویشان
به هم گویند در آغاز: سال نو مبارک باد
و هم: «صد سال به از این سال» این و آن
از آن روز طبیعت گو، که از ایوان برون آیند
که تا پایان برند این روز را بیرون از آن ایوان
پس از این روز، «روز از نو و روزی از نو» ای یاران
که هر کاری زمان دارد، بهاران و کشاورزان
زبان‌ها را مثل‌هایی، بسی شیرین و بس عالی
یکی دو از هزاران، از مثل‌ها و از آن دستان:
گننه مازرونی‌ها: «بهارِ وا پَئیزِ لا»^۱
همانندش: «بهاران، تن مپوشانید ای یاران»
بهارون دله، آتو، شه وچه ره، ندینه او^۲
روان باشد به ویژه این مثل بین نشاکاران
اگر هر فصل زیبا هست، بهاران بهترین‌ها هست
بیا با این «امیر» ای جان، بهاران را غنیمت دان.

معرفی علی کفشگر (امیر) به همراه گزیده اشعار

علی کفشگر با تخلص «امیر» در سال ۱۳۴۵ ش. در شهرستان بابل مازندران به دنیا آمد و دارای مدرک کارشناسی ارشد در رشته زبان و ادبیات فارسی است. او در دبیرستان‌های بابل و بعضاً در مراکز آموزش عالی این شهرستان تدریس می‌کند. او از زمان دانشجویی شروع به سرودن شعر به زبان تبری/مازندرانی نمود. شماری از شعرهای بومی‌اش در نشریه بارفروش به چاپ رسیده است. در کنار زبان مادری‌اش تبری، به زبان فارسی هم شعر می‌سراید. مجموعه شعر «لاله‌وا» به زبان مازندرانی اولین دفتر شعر اوست که در دست انتشار است.

این شاعر افزون بر شعرسرایی به کار تحقیقاتی در زمینه شعر و به‌ویژه مثل‌شناسی می‌پردازد. آثاری که تاکنون در این زمینه‌ها به دست چاپ سپرده است عبارت‌اند از: امام علی (ع) در شعر تبری، ارسال‌المثل دیوان فدایی مازندرانی، فرهنگ امثال.

مقالاتی هم از او در همایش‌های کشوری و نیز در نشریه‌ها به چاپ رسیده که از جمله آن‌ها می‌توان «تصحیح مصرعی از بهار» را در رشد ادب فارسی اشاره کرد.

نمونه‌هایی از شعرهای تبری/مازندرانی و فارسی این شاعر:

بهاره، وا نکینی نیم‌دِری ر؟

هدی وا شه دل ا هم شه گلی ر

بوینی، بشتویی لیتکا خال سر،

خونش بلبل ا رخص هلی ر.

برگردان به فارسی

بهاران است، پنجره رو به باغ را باز نمی‌کنی؟

تا هم دل و هم گلوی خویش را به نسیم بدهی،

و هم بینی و بشنوی روی شاخه‌های باغ،

خوانش بلبل و رقص درخت آلوچه (گوجه‌سبز) را.

۱ مازندرانی‌ها گویند: باد بهاری، رخت و لباس پاییزی (خوب و لازم است).

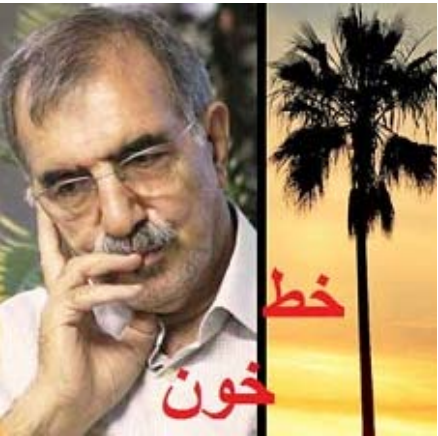
از باد بهار بهره‌بردار/ از باد خزان خودتو نگاه‌دار. (نقل از: فرهنگ بزرگ ضرب‌المثل‌های

فارسی، ۱ / ۲۷۳)

۲ «در بهار، آهو به بره‌اش (بچه‌اش) [آب] [شیر] نمی‌دهد». (همان، ۱ / ۹۵۸)

[بس که مشغول است،] فرصت (وقت) سر خاریدن (خاراندن) ندارد.

خط خون



علی موسوی گرمارودی
(متولد ۳۰ فروردین ۱۳۲۰)

درختان را دوست می‌دارم
که به احترام تو قیام کرده‌اند،
و آب را که مهر مادر توست
خون تو شرف را سرخگون کرده است
شفق، آینه‌دار نجابت،
و فلق محرابی،
که تو در آن
نماز صبح شهادت گزارده‌ای.

...

تو را باید در راستی دید
و در گیاه،
هنگامی که می‌روید
در آب،
وقتی می‌نوشاند
در سنگ،
چون «ایستادگی» است.
در شمشیر،
آن زمان که می‌شکافت
و در شیر،
که می‌خروشد؛
در شفق که گلگون است
در فلق که خنده خون است
در خواستن
برخاستن؛
تو را باید در شقایق دید
در گل بویید.
تو را باید از خورشید خواست
در سحر جُست
از شب شکوفاند
با بذر پاشاند
با باد پاشید
در خوشه‌ها چید
تو را باید تنها در خدا دید.

...

تو کلاسِ فشرده تاریخی.
کربلای تو،
مصاف نیست
منظومه بزرگ هستی است،
طواف است.

پایان سخن
پایان من است
تو انتها نداری...



بارگذاری کتاب‌های درسی قدیمی در وبگاه فرهنگستان

۱۰۰ عنوان کتاب‌های درسی قدیمی فارسی

اهدایی به

گروه آموزش زبان و ادبیات فارسی

در وبگاه فرهنگستان

بارگذاری شد و

در نشانی زیر قابل بارگیری است:

کتاب‌های - درسی <https://apll.ir/>

